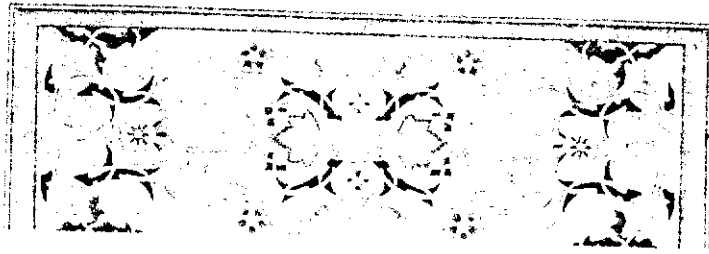


۲۹۵



قرآنیهای موجود پیش از انتشار

تألیف: تئودور نلدهکه / بازنکاری: فریدریش شوالی

ترجمه: مرتضی کریمی نیا

مقدمه مترجم

یکی از معروفترین و مهمترین آثار قرآن پژوهی غرب در دو سده اخیر تاریخ قرآن است. این کتاب، نخست در قالب پایان نامه‌ای به زبان لاتین به قلم تئودور نلدهکه (۱۸۵۶) به رشته تحریر درآمد. اندکی بعد تحریر آلمانی آن در مسابقه آکادمی علوم فرانسه شرکت داده و برنده مسابقه شد و سپس در ۱۸۶۰ در گوتینگن (آلمان) انتشار یافت.^۱ تقریباً ۴۰ سال بعد، در ۱۸۹۸، ناشر از مؤلف خواست تا با بهره‌گیری از اطلاعات و مطالعات جدید خود کتاب را بازنگاری کند. نلدهکه به دلیل مشغله و کهولت سن از این کار عذر خواست و شاگردش فریدریش شوالی^۲ (۱۸۶۳-۱۹۱۹) را برای این کار معرفی کرد. ویرایش دوم کتاب تاریخ قرآن دقیقاً ۴۰ سال (از ۱۸۹۸ تا ۱۹۳۸) طول کشید. دو جلد آن را شوالی زیر نظر نلدهکه در سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۱۹ بازنگاری و منتشر کرد؛ اما اندکی پیش از انتشار جلد دوم درگذشت و شوهر خواهر وی هاینریش تسیمرن^۳ کار چاپ آن را به انجام

1. Theodor Nöldeke, *Geschichte des Qorans. Eine von der Pariser Académie des Inscriptions gekrönte Preisschrift*, Göttingen, 1860.

2. Friedrich Schwally.

3. Heinrich Zimmern.

۱۵۶۴

قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۸۳ □

رسانيد. براى جلد سوم كتاب، هر چند يادداشت‌هاى اوليه‌اى فراهم آمده بود، اما ۲۰ سال كار مشترك و متوالى گوتهلَف برگستر سِر^۱ (۱۸۸۶-۱۹۳۳) و اُتو پِرِتْسِل^۲ (۱۸۹۳-۱۹۴۱) لازم بود تا به شكل نهايى اش در سال ۱۹۳۸ درآيد. بنا بر اين از آغاز تحرير نخست تاريخ قرآن تا شكل گيرى نهايى آن قريب به ۸۰ سال گذشت و نسخه نهايى كه همواره پس از آن تجديد چاپ شده، حاوى اجزائى سه گانه‌اى است كه به ترتيب در ۱۹۰۹، ۱۹۱۹ و ۱۹۳۸ منتشر شده است.^۳ عناوين سه جلد اصلى تاريخ قرآن، به ترتيب از اين قرار است. ج ۱: درباب اصل و منشأ قرآن؛ ج ۲: جمع و تدوين قرآن؛ ج ۳: تاريخ متن قرآن.

با گذشت ۱۵۰ سال از تحرير نخست اين كتاب، ترجمه‌اى از آن حتى به ديگر زبانهاى اروپايى انجام نيافته بود. امين خولى در مقاله «تفسير» خود در دائرة المعارف الاسلاميه (ج ۹، ص ۴۳۳) مى گويد يكي از دانشجويان مصرى كل كتاب را با كمك و مشاوره اساتيد آلماني و عرب ترجمه کرده، اما به دليل مشكلاتى همچنان در دانشكده ادبيات دانشگاه قاهره انتشار نيافته مانده است. در ايران نيز قريب ۴۰ سال پيش مرحوم آيت الله دكتور سيد محمد حسيني بهشتى جلد نخست اين كتاب را به فارسى برگردانده كه آن نيز هنوز به صورت دستنويس باقى مانده است. تنها ترجمه كامل اين اثر به زبان عربى سالها پيش به همت آقاى جورج تامر و همكارى سه محقق ديگر عرب انجام و در اواخر سال ۲۰۰۴ ميلادى انتشار يافته است.^۴

۱. نوشته‌اى كه در پي مى آيد ترجمه‌اى است از آغاز جلد دوم كتاب كه در آن موضوع مصاحف صحابه پيامبر پيش از توحيد مصاحف به دست عثمان مطرح، و جوانب مختلف آن

1. Gotthelf Bergsträßer.

2. Otto Pretzl.

3. Theodor Nöldeke et al., *Geschichte des Qorans*, 3 volumes, Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuch-handlung, 1909-1938. [Vol. 1: *Über den Ursprung des Qorāns*, by Theodor Nöldeke & Friedrich Schwally, 1909. Vol. 2: *Die Sammlung des Qurañs*, by Theodor Nöldeke & Friedrich Schwally, 1919. Vol. 3: *Die Geschichte des Korantexts*, by Gotthelf Bergsträßer & Otto Pretzl, 1938.] Hildesheim and New York: Georges Olms Verlag, 1970, 2000.

۴. تاريخ القرآن، تأليف تيودور نولدكه، تعديل فرديريش شفالى، نقله الى العربية د. جورج تامر، بالتعاون مع فريق عمل مؤلف من السيدة عبلة معلوف-تامر، د. خيرالدين عبدالهادى، د. نقولا ابو مراد، برلين، مؤسسة كونراد-ادناور، ۲۰۰۴. xxxvi+۸۴۱ص. قرار است به زودى ترجمه ديگرى به قلم عمر لطفى العالم از سوى دارالمدار در بيروت انتشار يابد.

۱۵۹۵

مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. این جلد از کتاب حاوی ۷ فصل اصلی است. ترجمه ۴ فصل نخست این کتاب در مجله علوم حدیث، سال دهم، ش ۲۱، ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۷۰-۱۰۰ منتشر شده که به موضوع نقد و بررسی روایات جمع نخست قرآن به دست ابوبکر می‌پردازد.

۲. موضوع تاریخ قرآن و بحث درباره جمع و تدوین قرآن هم در میان محققان مسلمان و هم در میان اسلام‌شناسان غربی همواره معرکه آرا بوده است و بسیاری از عالمان اسلامی روایت جمع و تدوین قرآن در عهد ابوبکر و تکمیل آن در زمان عثمان را پذیرفته بودند. از میان محققان شیعه در قدیم، علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان و از معاصران، سید عبدالله زنجانی در تاریخ القرآن و علامه طباطبایی در قرآن در اسلام نیز همین دیدگاه را مطرح کرده و پذیرفته‌اند. باین همه، برخی چون آیت‌الله خویی در البیان فی تفسیر القرآن با نقد روایات ابوبکر و حتی روایات جمع عثمان، و نشان دادن تناقض‌های درونی آنها، این دیدگاه را ضعیف دانسته و با استناد به برخی دلایل متنی و کلامی، جمع قرآن را به زمان پیامبر اکرم (ص) بازگردانده‌اند.

۳. غربیان نیز در ارائه تصویری کامل از موضوع جمع قرآن همداستان نبوده‌اند. برخی چون جان برتن بارد تمام روایات جمع ابوبکر و عثمان، دیدگاهی مشابه با نظر آیت‌الله خویی برگرفته و به جمع قرآن در عهد پیامبر (ص) قایل شده‌اند. در مقابل کسانی چون جان ونزبرو و گروه این زمان را بسیار متأخرتر از عهد ابوبکر می‌دانند و حتی تثبیت نهایی آن را در اواخر قرن دوم هجری تصویر می‌کنند.^۱ مؤلف متن حاضر - که نوشته‌اش نسبتاً قدیمی و شاید از نخستین پژوهش‌های مستقل در باب تاریخ قرآن به‌شمار می‌آید - روایات جمع ابوبکر را چندان استوار نمی‌داند و می‌کوشد تا برخی نقاط ضعف متنی و تاریخی آنها را آشکار کند.^۲

۴. در بخشی که ترجمه آن اینک تقدیم خوانندگان می‌شود، تنها موضوع روایات مختلف

۱. در این باره نک. «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان ونزبرو»، نوشته اندرو ریپین، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، پژوهش‌های قرآنی، سال ششم، شماره پیاپی، ۲۳-۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۹۰-۲۱۷؛ «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی» نوشته ویلیام گراهام، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، آینه پژوهش، سال یازدهم، ش ۵، شماره پیاپی ۶۵، آذر و دی ۱۳۷۹، ص ۴۶-۵۳.

۲. نگاه کنید به «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، نوشته تنودور نلدرکه، بازنگاری فریدریش شوالی، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، مجله علوم حدیث، سال دهم، ش ۲۱، ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۷۰-۱۰۰.

در باب مصاحف پيش از عثمان از جمله مصحف أبى، ابن مسعود، ابو موسى اشعري و... مورد بررسى قرار گرفته است. ديگر موضوعات مرتبط با امر تدوين قرآن در ادامه فصول كتاب آمده كه ترجمه آن به صورتى مجزا فرصتى ديگر مى طلبد.

۵. بديهى است صرف نقل و ترجمه اين كتاب به منزله صحنه گذاردن بر تمام ديده گاه هاى مؤلف نمى تواند باشد. روشن است در زمانى كه نلده كه، در يكصد و پنجاه سال پيش. متن حاضر را مى نوشته است، منابع وي نسبتاً محدود و غالباً مخطوط بوده اند. شايد همين امر يكي از كاستيهاى اساسى وي در قرآن شناسى، به ويژه در منابع مربوط به شيعه باشد. اما از آنجا كه تأثير و تقدم وي در اسلام شناسى و قرآن پژوهى غربيان بسيار بيشتر بوده است، لزوم شناخت و سنجش نقادانه اين پيشينه براى ما مهم تر مى نمايد.

۶. ترجمه حاضر در اصل بر پايه متن آلمانى انجام گرفته، و در مواردى با ترجمه عربى جورج تامر تطبيق داده شده است، چرا كه ترجمه عربى در چاپ كنونى اش، افتادگيهاى فراوان و گاه اشتباهات آشكار و پيش پا افتاده دارد.

۷. آدرس آيات قرآنى در متن آلمانى بنابه رسم روزگار نلده كه و شوالى به قرآن چاپ فلوگل (لايبيك، ۱۸۳۴) است كه تا آن زمان دقيق ترين شماره گذارى از آيات قرآن را داشته است. اما از زمان انتشار مصحف قاهره در ۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵م و پس از آن، با فراگير شدن مصحف مدينه در جهان اسلام، امروزه ديگر هيچ محققى حتى در غرب، شماره گذارى قرآن فلوگل را مبناى خود قرار نمى دهد. از اين رو در ترجمه حاضر تمامى آدرس آيات قرآنى به سيستم شماره گذارى مصحف قاهره برگردانده شده است.

۸. مؤلفان در موارد بسيارى، به بخشهاى ديگر كتاب و يا پاورقيهائى خود در جاى ديگر ارجاع مى دهند. در اين موارد، تمامى اعداد و شماره هاى صفحات را عيناً برگردانده ام. بنابراين خواننده ناگزير است در اين موارد به شماره صفحات اصل آلمانى مراجعه كند. طبيعى است اين امر تا وقتى كه تمام كتاب ترجمه فارسى نيايد مىسر نخواهد بود. بنابراين

۱. دو كتاب كه به روشنى تأثير تاريخ قرآن نلده كه - شوالى در آنها هويداست، عبارتند از: در آستانه قرآن، نوشته رزى بلاشر، ترجمه محمود راميار، چاپ اول تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ۱۳۵۹، ۳۲۶ص؛ درآمدى بر تاريخ قرآن، نوشته ريچار د بيل، بازنگرى و بازنگارى و. مونتگمرى وات، ترجمه بهاء الدين خر مشاهى، چاپ اول، قم، سازمان اوقاف و امور خيريه، مركز ترجمه قرآن مجيد به زبانهاى خارجى، ۱۳۸۲، ۲۷۶ص.

همواره در متن ترجمه فارسی خود به شماره گذاری صفحات متن آلمانی اشاره کرده‌ام.
۹. شماره‌های لاتین که در داخل قلاب [] قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده پایان صفحات در متن آلمانی‌اند.

۱۰. فهرست منابع پایان کتاب غالباً کوتاه و گاه در آن تنها به ذکر نام مؤلفی بسنده شده است. در این موارد تا حد امکان اطلاعات کتاب‌شناختی منابع را تکمیل کرده و آنها را درون قلاب [] افزوده‌ام. از همین قبیل است منابعی که مؤلفان در متن کتاب بدانها ارجاع می‌دهند، اما در کتاب‌نامه پایانی ذکری از آنها نرفته است.
برای سهولت خواننده فارسی - به عکس متن اصلی - منابع عربی از نگاشته‌های اروپایی تفکیک و گاه به هم ارجاع شده‌اند.

□

الف- مصاحف اصحاب، انتشار و حفظ مصاحف، شخصيت صاحبان مصاحف

در فاصله ۲۰ ساله میان رحلت پیامبر و تدوین نسخه عثمان، بجز "صحیفه‌های حفصه"، چهار نسخه قرآنی معروف دیگر به دست ما رسیده که مسئولیت تدوین هر یک از این نسخ تنها و تنها به یک تن، یعنی صاحب آن مصحف داده شده است. چه بسا نسخه‌های دیگری هم در کار بوده که تا این اندازه مهم نبوده‌اند و شاید از همین رو در روایات تاریخی از آنها ذکرى به جا نمانده است. این چهار تن که هر یک صاحب مصحفی بوده‌اند، بنابر گزارشهای تاریخی عبارتند از: اُبَی بن کعب، عبدالله بن مسعود، ابوموسی اشعری، و مقداد بن اسود.

تا وقتی روش ادبی این افراد در کارشان معلوم نباشد، این پرسش همچنان مفتوح است که آیا آنان قرآن را خود مستقلاً از آیات پراکنده و حیانی گردآوری کرده‌اند یا در این کار از مجموعه‌های دیگر پیش از خود [27] بهره برده‌اند. از این رو، مناسب‌تر این است که کارشان را عموماً مصاحفی مستقل بشماریم.

اُبَی بن کعب^۱، از بنی النجار و اهل مدینه بود. بسیار زود به اسلام گروید و در دو جنگ بدر و احد علیه مشرکان جنگید. از آنجا که وی در جاهلیت به باسوادی و توانایی بر نوشتن معروف بود، محمد [ص] او را از کاتبان خود هم در مراسلات شخصی^۲ و هم در ثبت و تدوین وحی^۳ قرار داد. لذا چندان شگفت نیست که وی به قاری [= حافظ قرآن] معروف بوده است. روایات سال فوت او را به اختلاف در ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۰ و ۳۲ هجری ذکر می‌کنند^۴.

عبدالله بن مسعود مردی از قبیله دؤن پایه هذیل، در شمار نخستین گروندگان به اسلام بود که در جنگ بدر نیز حضور داشت. چون خادم پیامبر بود همواره در کنار وی بود و از همین رو از دانش و اطلاعات قرآنی بسیار برخوردار شد. خود می‌گفت آن روزها که زید بن ثابت کودکى بیش نبود و در کوچه با همسالانش بازی می‌کرد، وی بیش از هفتاد سوره را حفظ

۱. ابن سعد، ۲، ۲، تحقیق Schwally، ص ۱۰۳؛ همان، ۳، ۲، ص ۵۹ به بعد؛ ابن قتیبه، ص ۱۳۳ به بعد؛ ابن حجر و اسد الغابه، ذیل ماده؛ ذهبی، حفاظ، ج ۱، ص ۱۵؛ نیز قس با همین کتاب، پیش‌تر، ج ۲، ص ۷، پاورقی ۱ که در آنجا از جمله حافظان کل قرآن به شمار آمده است.
۲. ابن سعد در J. Wellhausen, *Skizzen IV*، نامه‌های پیامبر، شماره‌های ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۴۲ تا ۷۰؛ ابن سعد، ۱، ۲، تحقیق Sachau، ص ۲۱ سطر ۲۶-۲۷، ص ۲۳، سطر ۲۷، ص ۲۸، سطر ۲ و ۶، ص ۳۵، سطر ۱۱.
۳. ابن سعد، ۳، ۲، ص ۵۹.
۴. در این باره نگاه کنید به همین کتاب، ادامه، ج ۲، ص ۵۱.

کرده بود. عمر وی را به عنوان قاضی و مسئول بیت المال در کوفه منصوب کرد. وی همانجا در سال ۳۲ یا ۳۳ هجری درگذشت، اما برخی فوت وی را در مدینه دانسته‌اند.^۱

ابوموسی عبدالله بن قیس اشعری یکی از نمایندگان قبیله اشعر در یمن بود که در سال هفتم هجری، وقتی محمد [ص] یهودیان [28] خبیر را محاصره کرده بود، با وی دیدار کردند.^۲ وی اسلام آورد، در عهد عمر و عثمان مناصب اداری و نظامی مختلفی بر عهده گرفت و در این امر شایستگی خاصی نشان داد. در سال ۱۷ حاکم بصره و در سال ۳۴ به جای سعید بن عاص حاکم کوفه شد. وی در همانجا منصب معلم و قاری قرآن را نیز بر عهده داشت که در این کار از صدای زیبا و قوی خود بهره می‌برد. در نقل روایات تأکیدی بسیار شدید بر لزوم نقل شفاهی روایات و عدم ثبت و تدوین حدیث داشت. وی به سال ۴۲ یا ۵۲ هجری درگذشت.^۳

مقداد بن عمرو^۴ از خاندان یمنی بهرا، به سبب خونی از یمن گریخته و سرانجام در مکه با اسد بن عبدیغوث عقد جوار بسته بود که وی نیز از اهل یمن بود. در مکه یکی از نخستین گروندگان به اسلام بود که در تمامی جنگها علیه غیر مسلمانان سوار بر اسب حضور داشت که این خود بر اصالت و نجابت خانوادگی اش دلالت داشت. هنگام فتح مصر^۵، یکی از فرماندهان لشکر اسلام بود و در امارت معاویه به قبرس لشکرکشی کرد.^۶ در باب مذهب و نیز میزان قرآن دانی اش، منابع موجود اطلاعی به دست نمی‌دهند. وقتی در سال ۳۳ هجری درگذشت، عثمان بر وی نماز گزارد.

در باب رواج قرآنهای منسوب به هر یک از اینان، اهل دمشق یا - درست‌تر بگوییم -

۱. ابن قتیبه، ص ۱۲۸؛ ابن سعد، ۲، ۲، ص ۱۰۴ به بعد؛ همان، ۳، ۱، ص ۱۰۶ به بعد؛ نووی، ابن حجر و اسد الغابة، ذیل ماده؛ قرطبی، برگ ۲۰ الف؛ Sachau در مقدمه بر تصحیح ابن سعد، ۳، ۱، ص ۸۷ نیز قس. با همین کتاب، پیش‌تر، ج ۲، ص ۷، پاورقی ۱ که در آنجا از جمله حافظان کل قرآن به شمار آمده است.

۲. ابن سعد، ۱، ۲، ص ۷۹ = Wellhausen, *Skizzen IV*، نامه‌های پیامبر، شماره ۱۳۲.

۳. ابن سعد، ۲، ۲، ص ۱۰۵ به بعد؛ همان، ۴، ۲، ص ۷۸-۸۶ (منبع اصلی)؛ ابن قتیبه، ص ۱۳۵، ۴، ص ۹؛ بخاری، فضائل القرآن، § ۴۱؛ نووی، ابن حجر و اسد الغابة، ذیل ماده.

۴. ابن سعد، ۳، ۱، ص ۱۱۴-۱۱۶؛ ابن قتیبه، ص ۱۳۴؛ طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۲۵۴۴؛ نووی، ص ۵۷۵؛ ابن حجر و اسد الغابة، ذیل ماده.

۵. ابوالمحاسن، تحقیق Juynboll ج ۱، ص ۹، ۲۱، ۵۳، ۷۶، ۱۰۲.

۶. طبری، تاریخ، ج ۱، ص ۲۸۲۰؛ بلاذری، ص ۱۵۴.

شاميان^۱ از قرائت أبى، كوفيان از ابن مسعود، [29] اهل بصره از قرائت ابوموسى و اهالى حمص از مقدار تبعيت مى كردند.^۲ اينكه قرآنهاى ابن مسعود و ابوموسى در كوفه و بصره رايج بوده چندان عجيب نيست، چه آنان در اين دو شهر جايگاه ويژه اى داشته اند. اما به درستي معلوم نيست چه پيوندى ميان مقدار با منطقه حمص، و نيز أبى با شام بوده است. از مصاحف اين چهار تن هيچ چيزى به دست ما نرسيده است. لذا جز با كمك منابع غير مستقيم، نمى توان در باب هيئت ظاهرى و ترتيب سوره ها در اين مصاحف سخنى گفت. در اين ميان، از نسخه مقدار در اين منابع نيز هيچ توصيفى نيامده است. در باب نسخه ابوموسى تنها همين اندازه از الاتقان، ص ۱۵۴ مى دانيم كه برخى سوره ها را از مصحف أبى به قرآن خود افزود. روايات ديگرى هم دو آيه از قرآن را ذكر مى كنند كه تنها در مصحف وى آمده اند.^۳ اما از مصاحف أبى و ابن مسعود، هم شمار فراوانى از قرائات شان در دست ماست - كه در جلد سوم بدان خواهيم پرداخت - و هم فهرست سوره ها و ترتيب آنها را در اختيار داريم.

ب- مصحف أبى بن كعب

ب-۱- قرآن أبى بنابر روايت الفهرست ابن نديم

بنابر روايت الفهرست^۴، ترتيب سوره ها در قرآن أبى چنين بوده است^۵: فاتحه (۱)؛ بقره (۲)؛ نساء (۴)؛ آل عمران (۳)؛ انعام (۶)؛ اعراف (۷)؛ مائده (۵)؛ يونس (۱۰)؛ انفال (۸)؛ توبه (۹)؛ هود (۱۱)؛ مريم (۱۹)؛ شعراء (۲۶)؛ حج (۲۲)؛ يوسف (۱۲)؛ كهف (۱۸)؛ نحل (۱۶)؛

۱. ابن اثير، ج ۳، ص ۸۶ مى گويد: «اهل دمشق قرائت خود را بهترين مى دانند»؛ در مقابل، طبرى تفسير، ج ۱، ص ۲۰ چنين مى آورد كه «اهل شام از قرائت أبى پيروي مى كنند».
۲. ابن اثير، ج ۳، ص ۸۶؛ ابن عطيه، برگ ۲۵ ب؛ قسطلانى، ج ۷، ص ۴۸۸= در شرح بخارى، فضائل القرآن، § ۳.

۳. نگاه كنيد به همين كتاب، پيش تر، ج ۱، ص ۲۳۸؛ ادامه، ج ۲، ص ۴۵.

۴. تحقيق فلوگيل Flügel، ص ۲۷. منبع الفهرست در اين نقل، مؤلف شيعى ميانه رو، ابو محمد فضل بن شاذان (الفهرست، ص ۲۳۱؛ طوسى، ص ۲۵۴) است. مرجع وى نيز مصحفى كه از أبى بوده كه آن را در منطقه اى نزديك بصره نزد فردى به نام محمد بن عبدالله انصارى يافته است.

۵. با آنكه فهرستهاى منقول در اين بخش سوره ها را به نام ذكر مى كنند، ما به منظور كسب ديدگاهى بهتر شماره مربوط به هر سوره را مى آوريم [ذكر نام سوره ها از مترجم است].

احزاب (۳۳)؛ اسراء (۱۷)؛ زمر (۳۹)؛ جائیه (۴۵)؛ طه (۲۰)؛ انبیاء (۲۱)؛ نور (۲۴)؛ غافر (۴۰)؛ رعد (۱۳)؛ قصص (۲۸)؛ صافات (۳۷)؛ ص (۳۸)؛ [30] یس (۳۶)؛ حجر (۱۵)؛ شوری (۴۲)؛ روم (۳۰)؛ زخرف (۴۳)؛ فصلت (۴۱)؛ سجده (۳۲)؛ ابراهیم (۱۴)؛ فاطر (۳۵)؛ فتح (۴۸)؛ محمد (۴۷)؛ حدید (۵۷)؛ مجادله (۵۸)؛ فرقان (۲۵)؛ نوح (۷۱)؛ احقاف (۴۶)؛ ق (۵۰)؛ الرحمن (۵۵)؛ واقعه (۵۶)؛ جن (۷۲)؛ نجم (۵۳)؛ قلم (۶۸)؛ حاقه (۶۹)؛ حشر (۵۹)؛ ممتحنه (۶۰)؛ مرسلات (۷۷)؛ نبأ (۷۸)؛ انسان (۷۶)؛ تکویر (۸۱)؛ نازعات (۷۹)؛ عبس (۸۰)؛ مطففین (۸۳)؛ انشقاق (۸۴)؛ تین (۹۵)؛ علق (۹۶)؛ حجرات (۴۹)؛ منافقون (۶۳)؛ جمعه (۶۲)؛ طلاق (۶۵)؛ فجر (۸۹)؛ ملک (۶۷)؛ لیل (۹۲)؛ انفطار (۸۲)؛ شمس (۹۱)؛ بروج (۸۵)؛ طارق (۸۶)؛ اعلیٰ (۸۷)؛ غاشیه (۸۸)؛ تغابن (۶۴)؛ بینه (۹۸)؛ صف (۶۱)؛ ضحیٰ (۹۳)؛ شرح (۹۴)؛ قارعه

۱. در متن «الطهار» آمده است که فلوگل آن را تصحیفی از کلمه «الطور». نام سوره ۵۲ می‌داند. اما در واقع این کلمه را باید «الظهار» خواند که بنا بر نقل الاتقان، ص ۱۲۷ نام سوره ۵۸ در مصحف اُبی بوده است. بجز این، سوره را المجادله هم می‌خوانند که الاتقان، ص ۱۵۰ در شمارش سوره‌های قرآن اُبی این نام را ذکر می‌کند.

۲. در متن عبس آمده که نام شناخته شده‌ای برای سوره هشتادم است. نقل سیوطی در الاتقان، ص ۱۵۰ این برداشت را تأیید می‌کند. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت که ذکر دوباره نام عبس در الفهرست پس از سوره هشتاد و هشتم [این شماره در متن اصلی هشتادم آمده که نادرست است. چنان‌که خواهیم دید نام عبس مجدداً پس از سوره ۸۸ یعنی غاشیه ذکر شده و مؤلف به جای آن تغابن آورده است. (مترجم)] اشتباه در استنساخ است.

۳. تین نام رایج سوره نود و پنجم است. همین برداشت را در اینجا باید درست خواند، چنان‌که نقل الاتقان، ص ۱۵۰ هم بر آن صحه می‌گذارد. با این همه، این نام بار دیگر در ترتیب الفهرست بین دو سوره فلق (۱۱۳) و کرثر (۱۰۸) آمده است. اما به روشنی نمی‌توان معلوم کرد که ذکر مجدد نام تین پس از سوره فیل ناشی از سهو کاتب بوده یا اشتباه دیگری زوی داده است، چرا که ترتیب این بخش از سوره‌ها در الاتقان به کلی متفاوت از الفهرست است.

۴. در متن الفهرست «النبی» آمده است. الاتقان، ص ۱۵۱ نام سوره را «یا ایها النبى اذا طلقتم» ذکر می‌کند.

۵. در متن عبس آمده است. در اینجا الاتقان نام تغابن را ذکر می‌کند. اما عجیب این است که الاتقان در ص ۱۵۱ پیش از سوره عبس، سوره‌ای با عنوان اشتباه «التغاب» را قرار داده است.

۶. در متن الفهرست چنین آمده: «و هی اهل الكتاب لم یکن اول ما کان الذین کفروا». الاتقان، ص ۱۵۱ نام سوره را چنین می‌گوید: «ثم أهل الكتاب و هی لم یکن». بعد از این، الفهرست می‌گوید: «أهل الكتاب و هی لم یکن الذین کفروا». یعنی به عکس جمله پیش در اینجا عبارت با «أول ما کان» شروع نمی‌شود. در پاورقی دو شماره بعد، توضیحی در حل این مسئله آورده ایم.

قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۹۱ □

- (۱۰۱)؛ تکاثر (۱۰۲)؛ سوره خَلْع با سه آيه؛ سوره حَفْد با شش آيه؛ همزه (۱۰۴)؛ زلزله (۹۹)؛ عاديّات (۱۰۰)؛ فيل (۱۰۵)؛ تين [تکرار]؛ کوثر (۱۰۸)؛ قدر (۹۷)؛ کافرون (۱۰۹)؛ نصر (۱۱۰)؛ مسد (۱۱۱)؛ قریش (۱۰۶)؛ اخلاص (۱۱۲)؛ فلق (۱۱۳)؛ ناس (۱۱۴). [31]

ب-۲- قرآن أبی بنابر روایت الاتقان و ارتباط آن با الفهرست

فهرستی که الاتقان، ص ۱۵۰ به بعد، از سوره‌های قرآن أبی ارائه می‌دهد از این قرار است:
فاتحه (۱)؛ بقره (۲)؛ نساء (۴)؛ آل عمران (۳)؛ انعام (۶)؛ اعراف (۷)؛ مائده (۵)؛ یونس (۱۰)؛ انفال (۸)؛ توبه (۹)؛ هود (۱۱)؛ مریم (۱۹)؛ شعراء (۲۶)؛ حج (۲۲)؛ یوسف (۱۲)؛ کهف (۱۸)؛ نحل (۱۶)؛ احزاب (۳۳)؛ اسراء (۱۷)؛ زمر (۳۹)؛ فصلت (۴۱)؛ یازخرف (۴۳)؛ طه (۲۰)؛ انبیاء (۲۱)؛ نور (۲۴)؛ مؤمنون (۲۳)؛ سبأ (۳۴)؛ عنکبوت (۲۹)؛ غافر (۴۰)؛ رعد (۱۳)؛ قصص (۲۸)؛ نمل (۲۷)؛ صافات (۳۷)؛ ص (۳۸)؛ یس (۳۶)؛ حجر (۱۵)؛ شوری (۴۲)؛ روم (۳۰)؛

۱. الخلع نام سوره‌ای است که در قرآنهاى ما نیست. این سوره ۳ آيه دارد که در ادامه همین کتاب، ص ۳۴ به بعد به تفصیل بدان خواهیم پرداخت. نه فلوگل (Flügel)، مصحح کتاب و نه میور (Muir)، پاورقی نویسنده اثر، هیچ یک این نکته را دریافته‌اند. چه هیچ کدام زحمت مراجعه به الاتقان یا چاپ اول تاریخ قرآن نولدکه را به خود نداده‌اند که مدتها پیش از چاپ الفهرست منتشر شده بود.

۲. این نام را باید جوان الاتقان، ص ۱۵۱، ۵۲۷ الحفد خواند. نه الحید که در متن الفهرست آمده است. این دومین سوره اختصاصی مصحف أبی است. بعد از نام سوره در الفهرست عبارت «اللهم ایاک نعبد و آخرها بالکفار ملحق» آمده که بیان‌کننده آغاز و انتهای سوره است. این که در این عبارت، کلمه «أولها» نیامده، شاید به سبب جابه‌جایی و تصحیفی باشد که به صورت «أول ما» در بیان سوره بیته آمده بود. تمام آنچه فلوگل در توضیح این بخش می‌آورد بی‌ربط و مهمل است. اگر وی نیم‌نگاهی به چاپ نخست تاریخ قرآن نولدکه انداخته بود چنین وضعی پیش نمی‌آمد.

۳. در متن «أولها حَم» آمده است. از آنجا که «حَم» تنها در آغاز سوره‌های ۴۰ (غافر)، ۴۱ (فصلت)، ۴۳ (زخرف)، ۴۴ (دخان)، ۴۵ (جاثیه) آمده، و از سوی دیگر نام سوره‌های غافر، دخان و جاثیه به روشنی در جای دیگری از فهرست ذکر شده است، می‌توان حدس زد مراد از این عبارت، یکی از دو سوره فصلت یا زخرف باشد؛ گو اینکه الفهرست، ص ۳۹ در این موضع سوره جاثیه را ذکر می‌کند.

ذکر کلمه «أولها» خالی از اشکال نیست؛ چه آن را به سوره قبل یعنی زمر مربوط بدانیم، و چه متصل به «حَم» بخوانیم. اساساً ذکر آغاز سوره‌ها به جای نامشان در فهرست مرسوم نیست. این اشکال بایست از خرابی نسخه خطی ناشی شده باشد، زیرا نه نام این دو سوره که با «حَم» شروع می‌شوند و نه دیگر سوره‌هایی که نامشان در فهرست به صورت ناقص «أولها» آمده‌اند شباهتی به هم ندارند. بجز این، نقص دیگر آن است که یکی دو بار کلمه «نَم» هنگام شمارش و ترتیب سوره‌ها از قلم افتاده است.

حدید (۵۷)؛ فتح (۴۸)؛ محمد (۴۷)؛ مجادله (۵۸)؛ ملک (۶۷)؛ صف (۶۱)؛ احقاف (۴۶)؛ ق (۵۰)؛ الرحمن (۵۵)؛ واقعه (۵۶)؛ جن (۷۲)؛ نجم (۵۳)؛ معارج (۷۰)؛ مزمل (۷۳)؛ مدثر (۷۴)؛ قمر (۵۴)؛ فصلت (۴۱) یا زخرف (۴۳)^۱؛ دخان (۴۴)؛ لقمان (۳۱)؛ جاثیه (۴۵)؛ طور (۵۲)؛ ذاریات (۵۱)؛ حاقه (۶۹)؛ حشر (۵۹)؛ ممتحنه (۶۰)؛ مرسلات (۷۷)؛ نبأ (۷۸)؛ قیامة (۷۵)؛ تکویر (۸۱)؛ طلاق (۶۵)؛ نازعات (۷۹)؛ عبس (۸۰)؛ مطفین (۸۳)؛ انشقاق (۸۴)؛ تین (۹۵)؛ علق (۹۶)؛ حجرات (۴۹)؛ [32] منافقون (۶۳)؛ جمعه (۶۲)؛ تحریم (۶۶)؛ فجر (۸۹)؛ بلد (۹۰)؛ لیل (۹۲)؛ انفطار (۸۲)؛ شمس (۹۱)؛ طارق (۸۶)؛ اعلی (۸۷)؛ غاشیه (۸۸)؛ صف (۶۱)؛ تغابن (۶۴)؛ بینه (۹۸)؛ ضحی (۹۳)؛ شرح (۹۴)؛ قارعه (۱۰۱)؛ تکاثر (۱۰۲)؛ عصر (۱۰۳)؛ سوره خَلْع^۳؛ سوره حفد^۴؛ همزه (۱۰۴)؛ زلزله (۹۹)؛ عادیات (۱۰۰)؛ فیل (۱۰۵)؛ قریش (۱۰۶)؛ ماعون (۱۰۷)؛ کوثر (۱۰۸)؛ قدر (۹۷)؛ کافرون (۱۰۹)؛ نصر (۱۱۰)؛ اخلاص (۱۱۲)؛ فلق (۱۱۳)؛ ناس (۱۱۴).

هشت سوره از ترتیب الاتقان افتاده است: مدثر (۷۴)؛ فرقان (۲۵)؛ سجده (۳۲)؛ فاطر (۳۵)؛ قلم (۶۸)؛ انسان (۷۶)؛ بروج (۸۵)؛ مسد (۱۱۱)، حال آنکه سوره‌های مفقود در ترتیب الفهرست تقریباً دو برابر یعنی ۱۴ تا و همگی غیر از این سوره‌های افتاده از ترتیب الاتقان‌اند. با این احتساب، تعداد سوره‌های مصحف اُبی در این فهرست نیز به ۱۱۶ می‌رسد، گوا اینکه این نکته به صراحت نیامده است. به عکس، مفاد دو روایتی که سیوطی در جای دیگر نقل

۱. در متن «ثمَّ حَم» آمده است. با توجه به پاورقی پیشین، مراد از این کلمه لاجرم باید یکی از دو سوره فصلت یا زخرف باشد.

۲. در متن، بین دو سوره نازعات و عبس، کلمه «التغاب» آمده است. اگر این کلمه را التَّغابن بخوانیم، در آن صورت سوره ۶۴ دو بار ذکر شده است، چه در ادامه نام سوره تغابن (۶۴) بین دو سوره صف (۶۱) و بینه (۹۸) آمده است. [در متن آلمانی اشتباهاً به جای ۶۱، شماره ۹۱ (سوره شمس) تایپ شده است. (مترجم)] بنابراین نسخه خطی در اینجا به شکلی دیگر مخدوش بوده: یا منظور نام یکی از سوره‌های ذکر نشده در این فهرست است که مخدوش شده، یا به احتمال قوی تر (چراکه ترتیب این قسمت از سوره‌ها در الفهرست نیز عیناً همین طور است: نازعات، عبس، مطفین، انشقاق) این کلمه توضیحی اضافه برای سوره نازعات یا عبس بوده است. در این باره نگاه کنید به: پیش‌تر، ص ۳۱، پاورقی ۵.

۳. نگاه کنید به پیش‌تر، ص ۳۱، پاورقی ۷.

۴. نگاه کنید به پیش‌تر، ص ۳۱، پاورقی ۸.

□ قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۹۳ □

می‌کند^۱، نشان می‌دهد این نسخه حاوی ۱۱۵ سوره بوده، چرا که در آن دو سوره فیل (۱۰۵) با قریش (۱۰۶)^۲ یا ضحی (۹۳) با شرح (۹۴) یکی بوده‌اند. درستی این داده‌ها را بیش از این نمی‌توان واریسی یا تأیید کرد. گفتن ندارد که در فهرستها و روایات ترتیب سور، این چهار سوره همواره جدا از هم ذکر شده‌اند: سوره شرح (۹۴) بلافاصله پس از ضحی (۹۳)، و سوره قریش (۱۰۶) درست بعد از سوره فیل (۱۰۵) قرار گرفته است.

ب-۳- سوره‌های مخصوص قرآن اُبی

مهم‌ترین نکته در باب محصف اُبی این است که نسخه وی حاوی دو سوره بوده که در قرآنهاى رسمی نیامده‌اند. گاه این دو سوره را با نامهای خاص هر یک، یعنی سوره خَلْع و سوره حَفْد ذکر می‌کنند^۳ و گاه آنها را به اختصار سوره‌های قنوت^۴ یا حتی سوره قنوت^۵ می‌نامند. اما به کارگیری تعبیری چون دعای قنوت^۶، [33] دعای فجر^۷، یا دعا^۸ نشان می‌دهد اینها نه دو سوره، بلکه صرفاً دو دعایند. به ندرت به کلمات و آیات سوره برمی‌خوریم. در مبانی، ۳، آغاز سوره نخست آمده و الفهرست آیه اول از سوره نخست و دو کلمه پایانی سوره دوم را آورده است. جوهری و لسان‌العرب آیه سوم سوره دوم و زمخشری دو آیه نخست آن را ذکر کرده‌اند. اما متن کامل سوره در آثار نویسندگان متأخری چون سیوطی^۹ (متوفای ۹۱۱

۱. الاتقان، ص ۱۵۴.

۲. در جاهای دیگر هم، غالباً چنین نکته‌ای را در باب این سوره‌ها می‌گویند. قس با تفاسیر، ذیل سوره قریش؛ مفتاح السعادة، طاش‌کبری زاده (نسخه Vindob، برگ ۱۲ = فهرست فلوگل، ج ۱، ص ۲۵ به بعد)، برگ ۱۷۰ الف. بجز این، در قرآنهاى منسوب به شیعه امامیه نیز در حاشیه دو سوره انفال و توبه هم می‌نویسند که این دو در اصل سوره واحدی بوده‌اند. نگاه کنید به: همین کتاب، ادامه، ج ۲، ص ۹۶، پاورقی ۹۶.

۳- الفهرست، ص ۲۷؛ الاتقان، ص ۱۵۱، ۵۲۷؛ طاش‌کبری زاده، مصدر پیشین، همانجا.

۴. الاتقان، ص ۵۲۷.

۵. عمر بن محمد، برگ ۳ الف.

۶. در موارد بسیار. فی‌المثل زمخشری، در تفسیر یونس، ۱۰؛ تقی‌الدین محمد بن پیرعلی برکوی (برگیلی، م ۹۷۰ ق) [برکوی]، مخطوط Göttingen Asch، ص ۸۸، ۸۷، ۹۷.

۷. لسان‌العرب، ج ۴، ص ۱۳۰.

۸. الجوهری، ج ۱، ص ۲۲۳.

۹. در الاتقان، ص ۱۵۳ به بعد متن آیات را به سه شکل مختلف نقل می‌کند، اما در رساله‌ای کوتاه درباره این دو سوره (مخطوط Berolin. Landberg 343) از ۶ روایت در این باب سخن می‌گوید.

ق)، طاش کپری زاده (متوفای ۹۶۱ق) و برگوی (متوفای ۹۸۱ق) آمده است. از سوی دیگر، اسنادهای سیوطی، تا آنجا که از نظر تاریخی معلوم‌اند، به مراجعی از قرن نخست باز می‌گردند.^۱

فون‌ها مر نخستین کسی بود که متن دو سوره را انتشار داد.^۲ با آنکه وی نسخه خطی خود را به روشنی معلوم نمی‌دارد، امروزه می‌توان با بهره‌گیری از متون موازی شناخته شده این دو سوره را بهتر بازسازی کرد.

متن سوره‌ها

سورة الخلع^۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۴ [34]

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ^۵ وَنَسْتَغْفِرُكَ^۶ * وَنُثْنِي عَلَيْكَ^۷ وَلَا نَكْفُرُكَ^۸ * وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ

يَفْجُرُكَ *

سورة الحفد^۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. عبدالله بن زُرَّير الغافقي (الاتقان، ص ۱۵۳)، متوفای ۸۱ هجری. عبید بن عمیر (الاتقان، ص ۱۵۳؛ مخطوط Landberg 343، شماره ۴)، متوفای ۶۴ هجری. أمیة بن عبدالله بن خالد بن أسید (الاتقان، ص ۱۵۴)، متوفای ۸۴ یا ۸۷ هجری. میمون بن مهران (مخطوط Landberg 343، شماره ۲)، متوفای ۱۱۷. تاریخهای وفات همگی از خلاصه گرفته شده است.

2. *Geschichte der arabischen Literatur*, Bd. I (Wien 1850) S. 576.

۳. قس با پیش‌تر، ج ۲، ص ۳۳، پاورقی ۵.

۴. در منابع زیر، این سوره بدون بسمله ذکر شده است: زمخشری، ذیل یونس، ۱۰؛ الاتقان، ص ۱۵۳ الف؛ مخطوط Landberg 343، ش ۱، ۳، ۴، ۵.

۵. تقی الدین محمد برگوی در اینجا عبارت «و نستهدیک» را اضافه دارد.

۶. در مخطوط Landberg 343، ش ۵ عبارت «و نؤمن بک و نخضع لک» اضافه شده و برگوی عبارت «و نستهدیک و نؤمن بک و نتوب الیک و نتوکل علیک» را اضافه کرده است.

۷. الاتقان، ص ۱۵۴، ج، کلمه «خیراً» را اضافه دارد و برگوی عبارت «خیراً کله نشکرک».

۸. برگوی، مخطوط ۷۸، ۹۷ عبارت «و نخضع لک» را در اینجا اضافه دارد.

۹. قس با پیش‌تر، ج ۲، ص ۳۳، پاورقی ۵.

اللَّهُمَّ يَا كَرِيمُ * وَ لَكَ نُصَلِّيٰ ۱ وَ نَسْجُدُ * وَ إِلَيْكَ نَسْعِي وَ نَحْفِدُ * نَرْجُو رَحْمَتَكَ * وَ نَخْشِي عَذَابَكَ ۲ * إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَافِرِ ۳ مُلْحَقٌ *

ترجمه سوره‌ها

سوره خلع (تسلیم)

به نام خداوند بخشنده مهربان:

(۱) خداوندا ما از تو مدد می‌جوئیم و بخشش می‌طلبیم؛

(۲) تو را ثنا می‌گوییم و هرگز به تو کفران نمی‌ورزیم؛

(۳) تسلیم توایم و هر که تو را هتک کند و امی‌گذاریم.

سوره حقد (سعی)

به نام خداوند بخشنده مهربان:

(۱) خداوندا تنها تو را می‌پرستیم؛

(۲) و به سوی تو نماز می‌خوانیم و سجده می‌آریم؛

(۳) و به سوی تو جهد می‌ورزیم و برای تو می‌کوشیم، [35]

(۴) به رحمت امید داریم،

(۵) و از عذابت بیمناکیم؛

(۶) به یقین عذاب تو کافران را فرو می‌گیرد ۴

بررسی اصالت سوره‌ها

از آنجا که هم ساخت و هم مضمون این سوره‌ها کاملاً دعایی است، فقط در صورتی و حیاتی بودنشان قابل دفاع است که در آغازشان امر «قُلْ» می‌بود. تعبیر «قُلْ» که در قرآن، در آغاز سوره‌های دعایی — چون ناس و فلق — و یا به منظور ابلاغ دستورات الهی به پیامبر در

۱. طاش‌کپری زاده این آیه را نیاورده است.

۲. الاتقان، ص ۱۵۴ و مخطوط Landberg 343، ش ۱ و ۳ آیه پنجم را پیش از آیه ۴ قرار می‌دهند.

۳. الفهرست، زمخشری، الاتقان (الف، ج)، مخطوط Landberg 343، ش ۲، ۴، ۵، ۶ و برگوی همین‌طور آورده‌اند؛ اما در الاتقان (ب)، مخطوط Landberg 343، ش ۱، ۳ و طاش‌کپری زاده «بالکافرین» آمده است.

۴. فعل «أَلْحَقْ» در قرآن همواره به صورت متعدی و به معنای «انجام کاری برای رسانیدن کسی به دیگری» (فقط برای انسانها) و گاه به معنای «رسیدن» به کار می‌رود؛ از این رو، می‌توان این واژه را هم «مُلْحَقٌ» و هم «مُلْحِقٌ» قرائت کرد.

قالب تشریح و تقنین به کار می‌رود، در آغاز این دو سوره نیامده است. از سوی دیگر اما، دو سورهٔ اَبیّ ساختی بسیار روان دارند و بیشتر از شیوهٔ عمومی بیان در قرآن تبعیت می‌کنند. با این همه، به‌رغم کوتاهی متن این سوره‌ها اشکالات زبانی فراوانی در آنها به چشم می‌خورد: اِسْتَعَانَ فقط یک‌بار آن‌هم در سورهٔ فاتحه مفعول به مستقیم گرفته است. [36] فعلِ اُنْتِنِ هیچ‌گاه در قرآن نیامده^۱، حال آنکه افعال دیگر با همین معنا در قرآن فراوانند^۲. به همین سان، فعل "حفد" نیز در قرآن نیامده است. کاربرد مادهٔ "سعی" در قرآن بسیار زیاد است، اما نه هیچ‌گاه با عبارت «الی الله»^۳. فعل "فجر" در اینجا متعدی آمده، اما در قرآن همواره لازم به کار رفته است (قیامت، ۵؛ شمس، ۸). و سرانجام آنکه فعل "خلع" تنها یک بار در قرآن (سورهٔ طه، ۱۲) آمده، اما معنای آن مانند اینجا مجازی نیست.^۴

بر پایهٔ این دلایل، نه می‌توان این سوره‌ها را جزو قرآن دانست و نه می‌شود آنها را به خود پیامبر نسبت داد. اما بعید نیست که این جملات دعاهایی مرسوم در زمان پیامبر بوده باشند. چنان که می‌بینیم اغلب این جملات را در روایات اسلامی دعا تلقی کرده‌اند. از عُمر و اَبیّ نقل است که آنها را در دعای قنوت می‌خوانده‌اند^۵. و شاید به همین سبب برخی این سوره‌ها را دارای منشأیی وحیانی پنداشته‌اند^۶. وجود بَسْمَله در آغاز این دو سوره هم گاه سبب اشتباه

۱. احتمالاً این فعل در زمان پیامبر به همین معنا به کار می‌رفته است. نگاه کنید به حماسة، ۷۷۷. در فقیده‌ای از اُمیة بن ابی الصلت (= دیوان، تحقیق Schulthess، شماره ۹، بیت ۵)؛ معلّقة عنتره (Arnold)، بیت ۳۵ (= Ahlwardt، شماره ۲۱، بیت ۴۰)؛ دیوان هذیل، تحقیق Kosegarten، شماره ۹۱، بیت ۳؛ زهیر (Ahlwardt)، شماره ۴، بیت ۲۰؛ لَبید، چاپ Huber-Brockelmann، شماره ۵۳، بیت ۱۸.
۲. در قرآن سه فعل کَثَرَ، سَبَّحَ و حَمِدَ آمده است.
۳. عبارت «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (سورهٔ جمعه، ۹) تعبیر دقیقاً مشابه نیست.
۴. عبارت «نکفرک» نیز مورد تردید است. مادهٔ "کفر" در معنای انکار ورزیدن همواره در قرآن همراه با حرف جرّ بَاء برای ذوی العقول به کار می‌رود، و در معنای ناسپاسی - که آن هم در اینجا ممکن است - مفعول به مستقیم ذوی العقول می‌گیرد. نیز در پهود، ۶۰ [الا عادا کفروا ربهم].
۵. الاتقان، ص ۱۵۳.

۶. آن دسته از دانشمندان اسلامی که اصالت سوره‌های اَبیّ را انکار می‌کنند، رهیافتی به کلی متفاوت در این موضوع دارند. به نظر آنان، در صورت وحیانی و قرآنی دانستن این سوره‌ها، قداست متن عثمانی زیر سؤال می‌رود.

۶۵۵۷

برخى ديگر شده است.^۱ [37] عده‌اى هم كه گاه به دنبال نكات بيشتري در اين باب بوده‌اند، نزول اين سوره‌ها را همچون جملات «ليس لك من الامر شيء» (آل عمران، ۱۲۸) مربوط به زمانى دانسته‌اند كه پيامبر به لعن قبيله (عشاير) مضر پرداخت.^۲ اما اين نگرش مبتنى بر آن است كه بپذيريم "دعاى قنوت" كه بر دو سوره اُبي اطلاق مى‌شود، همان است كه در اين روايت آمده و گفته شده پيامبر پس از لعن قوم مضر دعاى قنوت را تلاوت كرد.^۳ روايت ديگرى مى‌گويد اين دو سوره در مصحف ابوموسى اشعري نيز وجود داشته^۴ و ابن عباس نيز از قرائت اُبي و ابوموسى پيروي کرده است.

ب-۳- فهرست‌هاى مختلف از سوره‌هاى قرآن اُبي، و نسبت آنها با متن رسمى اساس ترتيب سوره‌ها در مصحف اُبي به رغم اختلافات فراوان همان است كه در نسخه رسمى قرآن، رعايت شده، يعنى سوره‌ها از بزرگ به كوچك چيده شده‌اند. اين امر در آغاز و پايان هر دو فهرستى كه از قرآن اُبي در دست است، بيشتري از سوره‌هاى مياني هويداست. ترتيبى كه در الفهرست آمده در اين ۱۶ موضع با نسخه رسمى عثمانى هماهنگى كامل دارد:

(۱) انعام (۶)، اعراف (۷)؛

(۲) انفال (۸)، توبه (۹)؛

(۳) طه (۲۰)، انبياء (۲۱)؛

(۴) صافات (۳۷)، ص (۳۸)؛

(۵) حديد (۵۷)، مجادله (۵۸)؛

(۶) الرحمن (۵۵)، واقعه (۵۶)؛

(۷) قلم (۶۸)، حافه (۶۹)؛

(۸) حشر (۵۹)، ممتحنه (۶۰)؛

(۹) مرسلات (۷۷)، نبأ (۷۸)؛

۱. قال ابن جريج حكمة البسمة أنهما سورتان في مصحف بعض الصحابة. الاتقان، ص ۱۵۳.

۲. الاتقان، ص ۱۵۴.

۳. نگاه كنيد به همين كتاب، پيش‌تر، ج ۱، ص ۱۹۳، باورفى ۱.

۴. الاتقان، ص ۱۵۴، ابتداى صفحه. از قرار معلوم، ابن عباس هم اين دو سوره را در مجموعه قرآن خود

داشته است. نك. همين كتاب، پيش‌تر، ج ۲، ص ۳۰.

(۱۰) نازعات (۷۹)، عبس (۸۰)؛

(۱۱) مطفّفین (۸۳)، انشقاق (۸۴)؛

(۱۲) تین (۹۵)، علق (۹۶)؛

(۱۳) بروج (۸۵)، طارق (۸۶)، اعلیٰ (۸۷)، غاشیة (۸۸)؛

(۱۴) زلزله (۹۹)، عادیات (۱۰۰)؛

(۱۵) کافرون (۱۰۹)، نصر (۱۱۰)، مسد (۱۱۱)؛

(۱۶) اخلاص (۱۱۲)، فلق (۱۱۳)، ناس (۱۱۴).

در فهرست الاتقان پنج سوره مائده (۵)، انعام (۶)، اعراف (۷)، یونس (۱۰) و رعد (۱۳) افتاده و به جای آنها پنج [38] رشته سوره دیگر به این ترتیب قرار گرفته است:

فاتحه (۱)، بقره (۲)

مزمل (۷۳)، مدثر (۷۴)

ضحی (۹۳)، شرح (۹۴)

قارعة (۱۰۱)، تکاثر (۱۰۲)، عصر (۱۰۳)

فیل (۱۰۵)، قریش (۱۰۶)، ماعون (۱۰۷)، کوثر (۱۰۸)^۱

گفتنی است هر دو فهرست در تعیین جای سوره‌های قنوت (خلع و حفد) متفق‌اند: یعنی بین دو سوره عصر (۱۰۳) و همزه (۱۰۴).

ج- مصحف عبدالله بن مسعود

ج-۱- قرآن ابن مسعود بنا بر روایت الفهرست ابن ندیم

همچون نسخه اُبی، در باب قرآن ابن مسعود هم دو روایت مفصل در دست است. برپایه

روایت منقول در الفهرست، ترتیب سور در قرآن ابن مسعود چنین بوده است:

۱. مراد مؤلفان به درستی معلوم نیست. نسخه مورد استفاده ایشان از الاتقان چاپ کلکته، ۱۸۵۲-۱۸۵۴ است. روایت سیوطی در الاتقان منقول از ابن اثنه (در کتاب المصاحف وی) است. در چاپ الاتقان با تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم (ص ۲۲۲-۲۲۳) برخی از این سوره‌ها موجودند، از جمله نام سوره‌های مائده، انعام، و اعراف. (مترجم)

بقره (۲)؛ نساء (۴)؛ آل عمران (۳)؛ اعراف (۷)؛ انعام (۶)؛ مائده (۵)؛ يونس^۱ (۱۰)؛ توبه (۹)؛ نحل (۱۶)؛ هود (۱۱)؛ يوسف (۱۲)؛ اسراء (۱۷)؛ انبياء (۲۱)؛ مؤمنون (۲۳)؛ شعراء (۲۶)؛ رسالات (۷۷)؛ ص (۳۸)؛ قصص (۲۸)؛ نور (۲۴)؛ انفال (۸)؛ مريم (۱۹)؛ عنكبوت (۲۹)؛ روم (۳۰)؛ يس (۳۶)؛ فرقان (۲۵)؛ حج (۲۲)؛ رعد (۱۳)؛ سبأ (۳۴)؛ فاطر (۳۵)؛ ابراهيم (۱۴)؛ ص (۳۸)؛ محمد (۴۷)؛ لقمان^۲ (۳۱)؛ زمر (۳۹)؛ غافر (۴۰)؛ زخرف (۴۳)؛ فصلت (۴۱)؛ احقاف (۴۶)؛ جاثيه (۴۵)؛ دخان (۴۴)؛ فتح (۴۸)؛ حدید (۵۷)؛ سبْح^۳؛ سجده (۳۲)؛ ق (۵۰)؛ طلاق (۶۵)؛ حجرات (۴۹)؛ ملك (۶۷)؛ تغابن (۶۴)؛ منافقون (۶۳)؛ جمعه (۶۲)؛ صف (۶۱)؛ جن (۷۲)؛ نوح (۷۱)؛ مجادله (۵۸)؛ ممتحنه (۶۰)؛ تحريم (۶۶)؛ الرحمن (۵۵)؛ نجم (۵۳)؛ ذاريات^۵ (۵۱)؛ طور (۵۲)؛ قمر (۵۴)؛ حاقه (۶۹)؛ واقعه (۵۶)؛ قلم (۶۸)؛ نازعات (۷۹)؛ معارج (۷۰)؛ مدثر (۷۴)؛ مزمل (۷۳)؛ مطففين (۸۳)؛ عبس (۸۰)؛ انسان (۷۶)؛ الرحمن (۵۵)؛ نازعات (۷۹)؛ نبا (۷۸)؛ تكوير (۸۱)؛ انفطار (۸۲)؛ غايبه (۸۸)؛ اعلى (۸۷)؛ ليل (۹۲)؛ فجر (۸۹)؛ انشقاق (۸۴)؛ بروج (۸۵)؛ علق (۹۶)؛ بلد (۹۰)؛ ضحى (۹۳)؛ شرح (۹۴)؛ طارق (۸۶)؛ عاديات (۱۰۰)؛ ماعون (۱۰۷)؛ قارعه (۱۰۱)؛ بینه (۹۸)؛ شمس (۹۱)؛ تين (۹۵)؛ همزه (۱۰۴)؛ فيل (۱۰۵)؛ قريش (۱۰۶)؛ تكاثر (۱۰۲)؛ قدر (۹۷)؛ عصر (۱۰۳)؛ نصر (۱۱۰)؛ كوثر (۱۰۸)؛

۱. عجيب اينكه در طبرى، تاريخ، ج ۱، ص ۲۱۶۳، س ۹، ذيل حوادث سال ۳۵ هجرت، سوره يونس هفتمين سوره و از سور مدنى شمرده شده، چه اين ترتيب با شماره سوره در قرآن ابن مسعود مطابق است. اين احتمال بسيار قوى است كه كسى در اينجا كلمه "التاسعة" را به جاي "السابعة" بخواند.

۲. در متن "قمر" آمده كه اشتباهى در كتابت "لقمان" است. در ترتيب الاتقان هم نام سوره در اينجا لقمان است.

۳. مراد از سبْح نمى تواند سوره هاى صف (۶۱) و اعلى (۸۷) باشد كه با همين كلمه آغاز مى شوند، چرا كه نام اين دو سوره در جاي ديگر اين فهرست به صراحت آمده است. از ميان سوره هاى كه نامشان از اين فهرست افتاده، يعنى حجر (۱۵)، كهف (۱۸)، طه (۲۰)، نمل (۲۷)، شورى (۴۲) و حجرات (۴۹) - به استثنای شورى - هيچ نامى نيست كه احتمال دهيم سبْح تصحيفى از آن باشد. فهرست سيوطى در الاتقان هم چندان كمكى نمى كند، چون ترتيب آن بسيار متفاوت از ابن نديم در الفهرست است.

۴. مؤلفان - چنان كه در پاورقى قبل گذشت - معتقدند سوره حجرات (چهل و نهم) از اين فهرست افتاده است، اما خود در اينجا شماره ۴۹ يعنى نام سوره حجرات را آورده اند. (مترجم)

۵. روايت ديگرى در الفهرست، در اينجا ترتيبى متفاوت و البته مطابق با الاتقان به دست مى دهد: نخست طور، و سپس ذاريات.

کافرون (۱۰۹)؛ مسد (۱۱۱)؛ اخلاص (۱۱۲).^۱ [39]

ب-۲- قرآن ابن مسعود بنا بر روایت الاتقان

در الاتقان، ص ۱۵۱ به بعد، ترتیب سور قرآن ابن مسعود چنین آمده است:

بقره (۲)؛ نساء (۴)؛ آل عمران^۲ (۳)؛ اعراف (۷)؛ انعام (۶)؛ مائده (۵)؛ یونس (۱۰)؛ توبه (۹)؛ نحل (۱۶)؛ هود (۱۱)؛ یوسف (۱۲)؛ کهف (۱۸)؛ اسراء (۱۷)؛ انبیاء (۲۱)؛ طه (۲۰)؛ مؤمنون (۲۳)؛ شعراء (۲۶)؛ صافات (۳۷)؛ احزاب (۳۳)؛ حج (۲۲)؛ قصص (۲۸)؛ نمل (۲۷)؛ نور (۲۴)؛ انفال (۸)؛ مریم (۱۹)؛ عنکبوت (۲۹)؛ روم (۳۰)؛ یس (۳۶)؛ فرقان (۲۵)؛ حجر (۱۵)؛ رعد (۱۳)؛ سبأ (۳۴)؛ فاطر (۳۵)؛ ابراهیم (۱۴)؛ ص (۳۸)؛ محمد (۴۷)؛ لقمان (۳۱)؛ زمر (۳۹)؛ غافر (۴۰)؛ زخرف (۴۳)؛ فصلت (۴۱)؛ شوری (۴۲)؛ احقاف (۴۶)؛ جاثیه (۴۵)؛ دخان (۴۴)؛ ممتحنات^۳؛ فتح (۴۸)؛ سجده (۳۲)؛ حشر (۵۹)؛ طلاق (۶۵)؛ قلم (۶۸)؛ حجرات (۴۹)؛ ملک (۶۷)؛ تغابن (۶۴)؛ منافقون (۶۳)؛ جمعه (۶۲)؛ صف (۶۱)؛ جن (۷۲)؛ نوح (۷۱)؛ مجادله (۵۸)؛ ممتحنه (۶۰)؛ تحریم (۶۶)؛ الرحمن (۵۵)؛ نجم (۵۳)؛ طور (۵۲)؛ ذاریات (۵۱)؛ قمر (۵۴)؛ واقعه (۵۶)؛ نازعات (۷۹)؛ معارج (۷۰)؛ مدثر (۷۴)؛ مزمل (۷۳)؛ مطففین (۸۳)؛ عبس

۱. در متن آلمانی، در شمارش سوره‌ها دو بار عدد ۵۵ (سوره الرحمن) و دوبار عدد ۷۹ (سوره نازعات) آمده است. مترجم عربی هم بدون توجه به اشتباه چاپی در متن نولدکه، نام این سوره‌ها را دو بار تکرار کرده است. نام برخی سوره‌ها هنگام شمارش از این فهرست افتاده است که مؤلفان در یکی دو پاورقی قبل و نیز در ادامه (ج ۲، ص ۴، پاراگراف آخر) به آنها اشاره کرده‌اند. در آنجا نام دو سوره شوری (۵۹) و قیامة (۷۹) نیامده است. به نظر می‌رسد شماره‌های مکرر ۵۵ و ۷۵ به ترتیب ۵۹ و ۷۹ یعنی سوره‌های شوری و قیامة باشند که در متن آلمانی به اشتباه تغییر یافته است.

در متن کتاب نام سوره‌هایی دیگر از جمله ۳۳ (احزاب) ۳۷ (صافات) و ۹۹ (زلزله) هم افتاده است. معلوم نیست این نقص مربوط به نسخه الفهرست مورد استفاده مؤلفان بوده یا از سهواً آنان ناشی شده است. (مترجم) ۲. الاتقان، ص ۱۴۵ سه سوره بقره، نساء و آل عمران را آغازین بخش مصحف ابن مسعود می‌شمارد.

۳. دشوار می‌توان دریافت که منظور از این کلمه کدام سوره است. سوره شصتم یعنی ممتحنه نمی‌تواند باشد، چه در ادامه همین فهرست به صراحت - و دقیقاً در همان جایی که ابن ندیم در الفهرست ذکر کرده - آمده است. همچنین "ممتحنات" را نمی‌توان تصحیف یا اشتباهی در نگارش سوره‌ای دیگر دانست، چون سوره‌های قبل و بعد آن یعنی دخان و فتح در ترتیب الفهرست پشت سر هم ذکر شده‌اند. سه سوره محذوف در فهرست الاتقان، یعنی ق، حدید و حاقه نیز کمترین شباهتی به این اسم ندارند. بنابراین "ممتحنات" تکرار دوباره همان سوره شصتم می‌شود که در دو سطر بعد آمده است.

قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۱۰۱ □

(۸۰)؛ انسان (۷۶)؛ مرسلات (۷۷)؛ قيامه (۷۵)؛ نبأ (۷۸)؛ تكوير (۸۱)؛ انفطار (۸۲)؛ غاشيه (۸۸)؛ اعلى (۸۷)؛ ليل (۹۲)؛ فجر (۸۹)؛ بروج (۸۵)؛ انشقاق (۸۴)؛ علق (۹۶)؛ بلد (۹۰)؛ ضحى (۹۳)؛ طارق (۸۶)؛ عاديات (۱۰۰)؛ ماعون (۱۰۷)؛ قارعه (۱۰۱)؛ بينه (۹۸)؛ شمس (۹۱)؛ تين (۹۵)؛ همزه (۱۰۴)؛ فيل (۱۰۵)؛ قريش (۱۰۶)؛ تكاثر (۱۰۲)؛ قدر (۹۷)؛ زلزله (۹۹)؛ عصر (۱۰۳)؛ نصر (۱۱۰)؛ كوثر (۱۰۸)؛ كافرون (۱۰۹)؛ مسد (۱۱۱)؛ اخلاص (۱۱۲)؛ شرح (۹۴).

ج-۳- نسبت اين دو فهرست با يكدیگر و با مصحف عثمانى ترتيب سوز ابن مسعود بر اساس نقل الاتقان در اين هفت موضع با متن رسمى قرآن مطابق است:

(۱) هود (۱۱)، يوسف (۱۲)

(۲) عنكبوت (۲۹)، روم (۳۰)

(۳) سبأ (۳۴)، فاطر (۳۵)

(۴) زمر (۳۹)، غافر (۴۰)

(۵) فصلت (۴۱)، شورى (۴۲)

(۶) عبس (۸۱)، انفطار (۸۲)

(۷) همزه (۱۰۴)، فيل (۱۰۵)

امادر الفهرست، علاوه بر اين موارد، در چهار جاى ديگر هم ترتيب سوره ها با متن رسمى قرآن مطابق است:

(۱) مرسلات (۷۷)، نبأ (۷۸)

(۲) انشقاق (۸۴)، بروج (۸۵)

(۳) ضحى (۹۳)، شرح (۹۴)

(۴) مسد (۱۱۱)، اخلاص (۱۱۲)

بنابراين، ترتيب الفهرست نسبت به الاتقان، به متن رسمى قرآن نزديک تر است. سوره هاى نحل (۱۶)^۱، كهف (۱۸)، طه (۲۰)، نمل (۲۷)، شوزى (۴۲) و حجرات (۴۹) كه

۱. در متن كتاب عدد ۱۶، يعنى سوره نحل آمده است كه نادرست است. سوره مورد نظر در اينجا حجر، سوره پانزدهم است. نلذكه و شوالى خود در ص ۳۹، پاورقى سوم به درستى شماره ۱۵ يعنى سوره حجر را نام برده اند. (مترجم)

۱۵۴۲

در ترتیب الفهرست نیامده، همگی در فهرست الاتقان ذکر شده‌اند و به عکس، سه سوره ق (۵۰)، حدید (۵۷) و حاقه (۶۹) که در الاتقان نیامده، در الفهرست آمده‌اند. بعید نیست حذف این سوره‌ها در این دو فهرست تصادفی و سهوی بوده باشد. چنانچه هر کدام از این دسته سوره‌های مفقود را در فهرست مربوط به خود قرار دهیم، به همان عدد رایج [40] در قرآن رسمی می‌رسیم؛ یعنی ۱۱۴ سوره به استثنای سه سوره فاتحه، ناس و فلق. مؤید این برداشت، اظهار نظرهایی است که در پایان هر یک از این دو فهرست آمده است.^۱

سیوطی در الاتقان چیزی در باب شمار سوره‌ها در مصحف ابن مسعود نمی‌گوید، اما الفهرست تعداد آنها را ۱۱۰ تا می‌داند که بسیار غریب است. از آنجا که تنها سه سوره در قرآن ابن مسعود نبوده، لاجرم شمار سوره‌ها باید ۱۱۱ باشد، مگر آنکه دو سوره را یکی انگاشته باشند. تنها سوره‌هایی که چنین فرضی درباره‌شان متصور است، انفال و توبه‌اند که در آنها سوره توبه - دست‌کم در مصحف عثمان - بدون بسمله بوده است. اما این امر به کلی ناممکن است، زیرا دو سوره انفال و توبه در هر دو فهرست سیوطی و ابن ندیم جدا از هم ذکر شده‌اند.^۲ از آنجا که در منابع موجود هیچ‌گاه ادغامی از این نوع سراغ نداریم، تنها فرض باقی مانده این است که عدد سوره‌ها در فهرست ابن ندیم را اشتباهی در نسخه بدانیم.

در روایت دیگری^۳ آمده که قرآن ابن مسعود ۱۱۲ سوره داشت و خالی از معوذتین بود. این روایت به موضوع ارتباط سوره فاتحه با معوذتین اشاره دارد که امری بسیار مشهور است. سیوطی در جای دیگری از الاتقان^۴ سه روایت موافق با این رأی آورده است. با این همه

۱. الفهرست، ص ۲۶، س ۲۷ به بعد: «قال ابوشاذان قال ابن سيرين وكان عبدالله بن مسعود لا يكتب المعوذتين في مصحفه ولا فاتحة الكتاب.» در الاتقان، ص ۱۵۲ هم به اختصار آمده که: «وليس فيه الحمد ولا المعوذتان.» نیز نگاه کنید به: عمر بن محمد، برگ ۳ الف؛ المباني، ۲ و ۴؛ قرطبي، ج ۱، برگ ۲۰ الف و برگ ۲۲ ب؛ الاتقان، ص ۱۸۶، انتهای صفحه و ۱۸۷ ابتدای صفحه؛ شوشاوی به نقل ابن قتیبة: طاش کبری زاده، همان مأخذ فوق. بیشتر روایات تصریح می‌کنند ابن مسعود این سوره‌ها را در مصحف خود نداشت، نمی‌نوشت و نمی‌خواند. روایات نادری هم می‌گویند ابن مسعود این سه سوره را از مصحف پاک می‌کرد (حک: المباني، ۴؛ الاتقان، ص ۱۸۷) یا می‌انداخت (أسقط: الاتقان، ص ۱۸۶).

۲. در الاتقان، ص ۱۵۲ به صراحت این نکته آمده که سوره توبه در مصحف ابن مسعود با بسمله بوده است.

۳. الاتقان، ص ۱۵۲.

۴. الاتقان، ص ۱۸۷.

قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۱۰۳ □

ابن ندیم در الفهرست^۱ تصریح می کند نسخه ای از قرآن با قدمتی ۲۰۰ ساله از ابن مسعود [41] دیده که این سوره در آن مکتوب بوده است، و دیگر اینکه هیچ دو نسخه یکسانی از مصحف ابن مسعود نمی توان یافت. نکته ای که در باب سه سوره مفقود مصحف ابن مسعود در الفهرست آمده است^۲ نشان می دهد عبارات "و لا فاتحة الكتاب" در دوره ای متأخر به متن افزوده شده است.

با تمام این احوال، دیدگاه ابن مسعود در باب این سه سوره پربراه نبود. اختلاف شکلی و مضمونی این سوره ها با دیگر سوره های قرآن وی را به این تردید انداخته بود. سوره فاتحه شباهت بسیاری به دعاهای یهودی و مسیحی دارد،^۳ اما در سور معوذتین نشانه های فرهنگ جاهلی مشرکان هویدا است.^۴ گو اینکه شروع آنها با جمله "قل" حکایت از الهی بودنشان می کند. احتمالاً قرار دادن این سه سوره دعایی در آغاز و پایان قرآن در واقع به منظور ایجاد نوعی محافظت برای قرآن بوده است، چه سوره فاتحه برای طلب یاری و حمایت از خداوند است و سور معوذتین ما را در برابر ارواح خبیثه محافظت می کند.

ج-۴- نسبت قرآنهاى اُبی، ابن مسعود و ابو موسی با یکدیگر و با مصحف عثمانی اُبی در قرآن خود تمام سوره ها را همراه با دو سوره قنوت گرد آورده بود، اما قرآن ابن مسعود سه سوره (فاتحه، فلق و ناس) از مصحف رسمی کمتر داشت. ترتیب سوره ها در این دو نسخه از قرآن بسیار متفاوت است، به گونه ای که تنها در دو جا، در آغاز (سوره های بقره، آل عمران و نساء) و در پایان (سوره های فیل و قریش بنابه روایت الاتقان) یا در وسط (سوره های زخرف و فصلت بنابه روایت الفهرست) با هم مطابقت می کنند. [42] رابطه این دو نسخه با مصحف رسمی عثمان بیشتر است، چون مثلاً ترتیب قرآن ابن مسعود در ۸ جا (بنابه روایت الاتقان) یا ۱۲ جا (بنابه روایت الفهرست) و ترتیب قرآن اُبی در ۱۶ جا با مصحف رسمی مطابقت می کند. اما تطابق سوره ها بر اساس ترتیب حجمی شان که من در صفحات آینده بدان اشاره می کنم کمتر است، چرا که تشابه ترتیب را در این ۴ یا ۵ جا می بینیم:

۱. الفهرست، ص ۲۶، پایین صفحه.

۲. نک. پیش تر، ج ۲، ص ۴۰، پاورقی ۳.

۳. نک. پیش تر، ج ۲، ص ۳۶.

۴. نک. پیش تر، ج ۱، ص ۱۰۸ به بعد.

۱۵۹۴

ترتیب قرآن اُبی به روایت الفهرست:

سوره‌های بقره، نساء، آل عمران؛

توبه، هود؛

منافقون، جمعه؛

نصر، مسد، اخلاص، فلق.

ترتیب قرآن ابن مسعود به روایت الفهرست:

سوره‌های بقره، نساء، آل عمران، اعراف، انعام، مائده؛

فتح، حدید، مرسلات، نبأ؛

مسد، اخلاص.

صرف نظر از اختلاف و بی‌دقتی، چینش سوره‌ها در این هر دو مصحف غیر رسمی از یک قاعده تبعیت می‌کند؛ یعنی سوره‌ها به ترتیب از بزرگ به کوچک قرار می‌گیرند. این قاعده آن قدر خاص و منحصر به فرد است که نمی‌توان وقوع آن را در قرآن تصادفی دانست. این امر با در نظر گرفتن روابط ادبی حاصل شده است، هر چند اکنون ما نتوانیم این روابط را اثبات کنیم. از آنجا که این قاعده در مصحف رسمی عثمانی نیز رعایت شده و این مصحف در اصل به جمع نخست زید در زمان ابوبکر باز می‌گردد، روابط ادبی مشارالیه به آنجا هم کشیده می‌شود. این نکته را از جای دیگری نیز می‌توان استنباط کرد: اسامی سوره‌ها در فهرست به‌جا مانده از دو قرآن اُبی و ابن مسعود تقریباً به همان ترتیب است که در قرآن رسمی آمده است. علت این امر بی‌هیچ تردید این بوده که خود سوره‌ها نیز به همین ترتیب چیده شده بوده‌اند. منشأ این گونه تقسیم‌بندی سوره‌ها به احتمال قوی به نسخه حفصه باز می‌گردد که بنا به روایات، مبنای کار عثمان هنگام توحید مصاحف بوده است. این چنین ترتیبی از سوره‌ها را نمی‌توان حاصل تصادف دانست، بلکه باید آن را نتیجه مناسبات ادبی دانست. متأسفانه ما به درستی نمی‌دانیم این مناسبات چه بوده‌اند. احتمالاً نسخه حفصه نیز به نخستین مدونات قرآن بر می‌گردد. با این همه، این امر را چندان نمی‌توان مسلم دانست، چرا که روایت جمع ابوبکر با مشارکت زید حاوی اشتباهات دیگری نیز هست. این را نیز نباید از یاد بریم که ابن مسعود و اُبی مسن تر [43] از زید بوده و زمانی طولانی با پیامبر به سر برده‌اند.

روایات پراکنده‌ای هم در دست است که می‌گویند این دو قرآن آیاتی داشته‌اند که اکنون

در قرآن ماغيست. ابن مسعود از آيه مفقوده‌اى سخن مى‌گويد كه خود در قرآنش نوشته بود. هبة الله (چاپ قاهره، ص ۱۰) اين روايت را به اين مضمون نقل مى‌كند كه «پيامبر اكرم روزى از من خواست آيه‌اى را كه در حفظ داشتم و در مصحف خود ثبت و ضبط کرده بودم، بخوانم. شب هنگام وقتى به بستر رفتم، نه آيه را به خاطر آوردم و نه جاى آن را در مصحف خود يافتم. چون سبب را از پيامبر پرسيدم، گفت اين آيه ديروز نسخ شد.» طبيعى است بر اين گونه روايات نمى‌توان چندان اعتماد كرد، حتى وقتى شايسته تصديقند.*

اما روايات مربوط به سه آيه مفقوده و مكتوب در قرآن ابي قابل پذيرش ترند.

آيه نخست مى‌گويد: «لَوْ أَنَّ لَابْنَ آدَمَ وَادِيًا مِنْ مَالٍ لَابْتَغَى إِلَيْهِ ثَانِيًا، وَلَوْ أَنَّ لَهُ ثَانِيًا لَابْتَغَى إِلَيْهِ ثَالِثًا، وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ، وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ.»^۱ گفته‌اند اين جمله در آيه ۲۵ سورة يونس يا در ميان سورة بينه قرار داشته است.^۲ اما اين امر ناممكن است، چه فاصله اين دو بسيار زياد است. يافتن جاى ديگر هم براى آن در ميان آيات قرآن ممكن نيست، زيرا تعبير "ابن آدم" كه در اين جمله آمده، اساساً در سياق قرآنى متداول نيست.^۳

آيه دوم مى‌گويد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْحَنَفِيَّةُ السَّمْحَةُ لَا الْيَهُودِيَّةَ وَلَا النَّصْرَانِيَّةَ وَمَنْ يَفْعَلْ خَيْرًا فَلَنْ يُكْفَرَهُ.»^۴ اين جمله را نيز به سورة بينه متعلق دانسته‌اند، اما نظر به [44] تفاوت مضمون و فاصله در اين آيه، اين امر ناممكن است. اساساً اين آيه را از آن رو نمى‌توان اصيل دانست كه نامهاى به كار رفته در آن در اشاره به اديان سه گانه غير قرآنى‌اند.

آيه سوم چنين است: «لَا تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ فَإِنَّهُ كُفِّرَ بِكُمْ. الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.»^۵ اين آيه (معروف به آيه رجم) به دليل تفاوت فاصله (يا سجع)، نمى‌تواند بخشى از آيه ۳۳ سورة احزاب باشد؛ همچنين آن را نمى‌توان به هيچ جاى ديگر قرآن انتساب داد، زيرا همچنان كه پيش تر روشن ساخته‌ام،^۶ اين قوانين جزايى خشن در زمان حيات پيامبر اجرا نمى‌شد.

۱. براى متن عربى نگاه كنيد به همين كتاب، پيش تر، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴۲.

۴. متن عربى را در همين كتاب، پيش تر، ج ۱، ص ۲۴۲ ببينيد.

۵. متن عربى را در همين كتاب، پيش تر، ج ۱، ص ۲۴۸ ببينيد.

۶. نك. همين كتاب، پيش تر، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۱.

در آیه نخست - منسوب به مصحف اُبی - گفته‌اند که ابوموسی نیز آن را در سوره‌ای مشابه سوره توبه قرار داده است. بنا به روایتی^۱، ابوموسی این آیه را که در حافظه داشت، در برابر ۳۰۰ تن از حافظان قرآن تلاوت می‌کرد.

به همین مناسبت، نقل است که ابوموسی آیه دیگری را نیز می‌خوانده که در سوره‌ای به نام "مَسَبَّحَات" قرار داشته است.^۲ روایت کمکی نمی‌کند که در یابیم آیا این سوره از مصحف رسمی مفقود شده بوده یا ابوموسی آن را از یکی از سوره‌های شناخته شده در مصحف رسمی قرائت می‌کرده اما نام آن را فراموش کرده است. آیه مذکور چنین است: «یا ایها الذین آمنوا لِمَ تقولون ما لا تفعلون فتکتب شهادة فی أعناقکم فتسألون عنها یوم القیامة».^۳ تکه نخست این جمله با آیه دوم سوره صف یکسان است؛ اما بخش دوم آن را - به دلیل تفاوت فاصله - نمی‌توان متعلق به سوره صف یا هیچ یک از دیگر سوره مسَبَّحَات دانست. و از آنجا که شاهدی بر صحت این آیه در خود آن نمی‌یابیم، اصیل دانستن آن بسیار [45] دشوار است. چه تمام روایاتی که سخن از آیات مفقوده می‌گویند، خود محل شک و تردیدند.^۴

نمی‌دانیم که در مصاحف غیر رسمی پیش از عثمان، سوره‌های قرآن را چگونه از هم جدا می‌کرده‌اند: آیا صرفاً از فضای خالی بین دو سوره استفاده می‌کرده یا علامت یا کلمه‌ای دیگر به کار می‌برده‌اند. زمخشری می‌گوید در قرآن اُبی، دو سوره قریش و فیل یک سوره واحد را تشکیل می‌داده‌اند.^۵ اما علاء‌الدین معتقد است تنها بسمله در میان این دو سوره ذکر نشده است.^۶ این سخن بدان معناست که بسمله در ابتدای دیگر سوره‌ها نوشته می‌شده است. اگر این سخن درست باشد، می‌توان نتیجه گرفت که در نسخه حفصه که پایه تمام مصاحف غیر رسمی پیش از عثمان بوده است، "بسم الله" به کار می‌رفته است.

ج-۵- مصاحف قرآنی ناشناخته و مشکوک

۱. مسلم، کتاب الزکاة، § ۲۶ (شرح قسطلانی بر بخاری، چاپ قاهره، ۱۳۰۳ ق، ج ۴، ص ۴۴۴ به بعد و حاشیه).
۲. این عنوان جامع سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه، منافقون، و تغابن است.
۳. قس متن عربی در همین کتاب، پیش‌تر، ج ۱، ص ۲۴۵.
۴. جزئیات بیشتر را در همین کتاب، پیش‌تر، ج ۱، ص ۲۴۵ به بعد ببینید.
۵. بلا فصل.
۶. و لم یُفصل بینهما فی مصحفه بسم الله الرحمن الرحیم

□ قرآنهای موجود پیش از مصحف عثمان ۱۰۷ □

بعید نیست و حتی بسیار محتمل است که در کنار این مصاحف قرآنی معروف که بوشمر داریم، نسخه‌های دیگری نیز بوده‌اند که چندان شهرتی نیافته‌اند، و لذا در منابع موجود از آنها نامی نیامده است. اما اینکه می‌گویند برخی از نزدیکان پیامبر مانند علی، سوره‌های قرآن را به ترتیب زمانی نزول خود داشته‌اند،^۱ چندان صحیح نمی‌نماید، چرا که این امر نیازمند کار تفسیری درازدامنی است، اگر نگوئیم به کلی محال و ممتنع بوده است، چون پیامبر خود هنگام ثبت و تدوین قرآن، گاه آیات تازه نازل شده را به سوره‌های قدیم تر ملحق می‌ساخته است.^۲ از همین رو - چنان‌که در همین کتاب، ج ۱، ص ۶۰ به بعد آوردیم - تمام فهرستهای موجود از ترتیب نزول سوره‌های قرآن، [46] به عکس آنکه سلسله سندهاشان ادعا می‌کنند، در زمانی نسبتاً متاخر تنظیم شده‌اند.

□

۱۵۶۸

۱. قرطبی، برگ ۲۲ الف؛ الاتقان، ص ۱۴۵.

۲. بحث کامل تر را در ادامه همین کتاب [ج ۲]، مبحث مربوط به ترتیب سوره در مصحف عثمانی ببینید.

فهرست منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الكامل فی التاریخ = *Chronicon*، تحقیق J. [uhans]. C[arl]. Tornberg، ۱۴ جلد، لایدن، ۱۸۵۱-۱۸۷۱.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، أسد الغابة [فی معرفة الصحابة، قاهره، ۱۲۸۰-۱۲۸۶ (م)].
- ابن تغری بردی < ابوالمحاسن بن تغری بردی.
- ابن حجر، ابوالفضل محمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة [کلکته، ۱۸۵۶-۱۸۹۳ (م)].
- ابن خلدون، المقدمة، بیروت، ۱۸۸۶.
- ابن سعد، محمد، طبقات، تحقیق Sachau و دیگران [با همکاری پروکلمان، هورویتس، لپرت، مایسنر، میثوخ، شوالی، و سترستن. ۸ جلد، لایدن، ۱۹۰۴-۱۹۱۷، ج ۹، فهرست ها، ۱۹۲۱ م. (م)].
- ابن عطیة، عبدالحق بن ابی بکر بن عبدالملک المحاربی المغربي. مقدمة لكتاب الجامع المحرر الصحیح الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، مخطوط 408 Sprenger، برگ ۱-۹۲ الف.
- ابن قتیبة، ابو عبدالله محمد بن مسلم الدینوری، کتاب المعارف = *Handbuch der Geschichte* تحقیق Wüstenfeld، گوتینگن، ۱۸۵۰ (تجدید چاپ در مصر).
- ابن ندیم، الفهرست. تحقیق G. Flügel [لایبزیگ، ۱۸۷۱-۱۸۷۲].
- ابن هشام، سیره، تحقیق Wüstenfeld، ۲ جلد، گوتینگن، ۱۸۵۶-۱۸۶۰ م. [برای ترجمه آلمانی. G. Weil] <
- ابواسحاق شیرازی، التنبیه (= *Jus Shafiticum*)، تحقیق A.W.T. Juynboll، لایدن، ۱۸۷۹.
- ابوتمام، دیوان الحماسة [از این اثر چاپهای متعددی در دست است. اما به دزستی معلوم نیست مؤلفان کدام چاپ را مورد نظر داشته اند. اما سه چاپ قدیمی که محتملاً یکی از آنها مورد ارجاع نلذکه و شوالی بوده اینها هستند: تحقیق فرایتاگ، بن، ۱۲۴۴-۱۲۶۴ق / ۱۸۲۸-۱۸۴۷ م، دو جلد؛ تصحیح کبیرالدین احمد و غلام ربانی، کلکته، چاپ سنگی، یک جلد، ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۶ م؛ قاهره، مطبعة بولاق، ۱۲۸۶-۱۲۹۲ق / ۱۸۶۹-۱۸۷۵ م. (م)].
- ابوالفداء، [عمادالدین اسماعیل بن علی]، تحقیق Reiske [هرچند یوهان یاکوب رایسکه - Johann Jakob Reiske آلمانی در سالهای ۱۷۷۰ و ۱۷۷۱ ترجمه ای لاتینی از تقویم البلدان، مشهورترین کتاب ابوالفداء را در مجله ای در هامبورگ منتشر کرده، اما به نظر می رسد، مراد

□ قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۱۰۹

مؤلفان اثر ديگر وى، يعنى المختصر فى اخبار البشر است كه بعدها در ۴ جلد انتشار يافته است: المختصر فى اخبار البشر: تاريخ ابوالفداء، ۴ جلد در دو مجلد، بيروت، دارالمعرفة، بى تا. به گفته هميلتون گيب (مقاله «ابوالفداء» در دايرة المعارف اسلام، لايدن، ويرايش دوم، ج ۱، ص ۱۱۹)، اين اثر ابوالفداء در تاريخ شرق شناسى قرون هجدهم و نوزدهم منبعى بسيار مهم به شمار مى آمده است. بروكلمان هم (مقاله «ابوالفداء» در دايرة المعارف اسلام، لايدن، ويرايش اول، ج ۱، ص ۸۵-۸۶) به تفصيل نام تمام آثار كهين فرنگى را بر مى شمارد كه به نحوى ترجمه، تصحيح يا تلخيصى از اين كتاب اند: آثارى از رايشكه (لايپزيك، ۱۷۵۴؛ كپنهاگ، ۱۷۸۹-۱۷۹۴)، گاگنير (آكسفورد، ۱۷۲۲)، امبرايت (گوتينگن، ۱۸۱۶)، فلايشر (لايپزيك، ۱۸۳۱)، نوئل دس ورگر (پاريس، ۱۸۳۷) و ويليام ميور (لندن، بى تا). بر اين اساس مشخصات كامل كارهاى رايكه در باب المختصر كه در قرن هجدهم فراهم آمده از اين قرار است:

Abulfedae annales moslemici lat. ex arab., fecit J.J. Reiske (up to the year 406 = 1015-1016).

Leipzig, 1745, 1778. *Abulfedae Annales Moslemici arab. et lat. op. stud. J.J. Reiskii*, ed. J.G. Chr.

Adler. Copenhagen, 1789-1794. (م.)

- ابوالفرج اصفهانى، كتاب الاغانى، بولاق [۲۵ جلد، ۱۲۸۵ق/ ۱۸۶۸-۱۸۶۹م.] (م.)

- ابوالمحاسن بن تغرى بردى، تحقيق Juynboll و تحقيق Popper. [جمال الدين ابوالمحاسن يوسف بن تغرى بردى اتابكى (۸۱۳-۸۷۹ق) آثار زيادى از خود به جا گذاشته است. تنها كتاب وى كه تا زمان تأليف تاريخ قرآن نلذكه - شوالى در اروپا انتشار يافته بوده، و در اينجا مراد مؤلفان مى تواند باشد، النجوم الزاهرة فى ملوك مصر و القاهرة است. يُنبئ و مائس قسمتهايى از اين كتاب را با عنوان تاريخ ابوالمحاسن ابن تغرى بردى (از سال ۲۰ تا ۳۶۵ق) در دو جلد (لايدن، ۱۸۸۵-۱۸۶۱) منتشر كردند و بخشهايى ديگر (از سال ۳۶۶ تا ۵۶۶ و از سال ۷۴۶ تا ۸۷۲ق) را پاپر در بركللى (۱۹۰۹-۱۹۲۹) انتشار داد. بعدها اين كتاب به صورت كامل در ۱۶ جلد از سوى وزارة الثقافة و الارشاد القومى (قاهره) در ميانة سالهاى ۱۳۴۶-۱۳۹۲ق/ ۱۹۲۹-۱۹۷۲م چاپ شد. (م.)

- الاتقان < سيوطى.

- احمد بن حنبل، المسند، ۶ جلد، قاهره، ۱۸۹۶.

- الاغانى < ابوالفرج اصفهانى.

۱۵۷

- امریء القیس، تحقیق Ahlwardt [احتمالاً مراد مؤلفان چاپ آوارت از دیوان شش شاعر کهن عرب *The Diwans of the Six Ancient Arabic Poets* است که وی در سال ۱۸۷۰ در لندن به چاپ رسانید و در آن، علاوه بر دیوان امریء القیس به روایت سکری، چند قطعه تازه را افزود (م)].
- أسدالغابة > ابن اثیر.

- اوس بن حَجَر [ظاهراً مراد مؤلفان چاپی از دیوان اوس بن حجر است که گایر (R. Geyer) در سال ۱۸۹۲ میلادی در وین به چاپ رسانید. چاپ کامل تر این اثر را با عنوان دیوان اوس بن حجر، محمد یوسف نجم در سال ۱۹۶۰ م در بیروت (دار صادر) منتشر کرده است. برای مشخصات کامل کتاب شناختی چاپ گایر < R. Geyer. (م)].

- بُخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، الصحيح او الجامع الصحيح، ۱۰ جلد، قاهره، ۱۳۰۳.
- برگوی (برگیلی)، تقی الدین محمد بن پیر علی. مخطوط. Göttingen Asch. [نُلدکه و شوالی به اشتباه وی را متوفای سال ۹۷۰ هجری می خوانند. نام صحیح وی برگوی (منسوب به شهر برگگی)، و سال تولد و وفاتش ۹۲۹ (یا ۹۲۶) تا ۹۸۱ هجری است. اغلب فهرست نویسان چون عمر رضا کحاله و اسماعیل پاشا بغدادی شهرتش را برگوی ضبط کرده اند. وی نحوی، محدث، مفسر و فقیه صوفی حنفی است که در بالیکسیر ترکیه زاده شد، بیشتر ایام تحصیلش را در استانبول گذراند و در شهر برگگی وفات یافت. از او قریب ۶۰ کتاب در حوزه های مختلف علوم اسلامی در دست است (نک. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفين. بیروت، ۱۹۵۵، ج ۲، ص ۲۵۲؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۸۶-۱۸۷). به درستی معلوم نیست که نُلدکه و شوالی به کدام یک از آثار وی ارجاع می دهند. عنوانی که آنان نام می برند [Katechismus] اشاره به نامی کلی چون «اعتقادنامه برگوی» است. تنها اثری که ممکن است این ویژگی را داشته باشد، کتابی با عنوان آداب البرکوی است که بسیاری از عالمان ترک هم بر آن شروحی نوشته اند (عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۲۳-۱۲۴). سرانجام باید گفت، صرف نظر از مراد و منظور واقعی مؤلفان، هیچ یک از آثار برگوی در بحث حاضر ارزش استناد و ارجاع نداشته است. (م)]

- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، النسخ و المنسوخ (مخطوط I 555 Petermann).

- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، تحقیق M.J. de Goeje، لایدن، ۱۸۶۶.

- تبریزی، ولی الدین محمد بن عبدالله، مشکاة المصابیح، ترجمه انگلیسی از A.N.

قرآنهاى موجود پيش از مصحف عثمان ۱۱۱ □

Matthews، کلکته، ۱۸۰۹-۱۸۱۰ [ترجمه ديگر از J. Robson، ۴ جلد، لاهور، ۱۹۶۳-۱۹۶۵ م؛ چاپ جديد: الخطيب العمرى (التبريزى)، محمد بن عبدالله، مشكاة المصابيح، تحقيق محمد ناصر الالبانى، ۲ جلد، بيروت، المكتب الاسلامى، ۱۴۰۵ ق. (م)].

- ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى، السنن او الجامع الصحيح، ۲ جلد، دهلى، ۱۳۱۵ ق.

- تقى الدين محمد بن پيژ على < برگوى (برگيلى)

- التنبيه < ابواسحاق شيرازى.

- جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح [تاج اللغة و صحاح العربية]، بولاق،

۱۲۸۲-۱۲۹۲ ق.

- الحماسة < ابوتمام.

- خازن، علاء الدين على بن محمد بغدادى، تفسير، ۴ جلد، قاهره، ۱۳۰۹.

- خزرجى، [صفى الدين احمد بن عبدالله، خلاصة تذهيب [تهذيب] الكمال فى أسماء الرجال،

قاهره، ۱۳۲۲. [اين اثر را اخيراً (۱۴۲۲ ق) دارالكتب العلمية در بيروت، همراه با تحقيق

مجدى منصور الثورى منتشر ساخته است. (م)]

- خلاصة < خزرجى

- ديوان هذيل، تحقيق كزگار تين [لندن، ۱۸۵۴. نیز برای اطلاعات كامل كتاب شناختى <

Kosegarten (م)].

- ذهبى، تذكرة الحفاظ، حيدرآباد [بى تا].

- زمخشرى، كشاف، قاهره، ۱۳۰۸؛ کلکته، ۱۸۵۶.

- سيوطى، الاتقان فى علوم القرآن، کلکته، ۱۸۵۲-۱۸۵۴ [مؤلفان در موارد معدودى به چاپ

قاهره، ۱۳۰۶ نیز ارجاع مى دهند (م)].

- شرح عقيلة در *Mémoires de l'académie des inscription* ج ۵ [مراد از عقيلة كتابى از شاطبى

(متوفى ۵۳۸ ق) با عنوان عقيلة أتراب القصائد فى أسنى المقاصد است كه شروع بسيار زيادى بر

آن نوشته اند. اين اثر خود در واقع قصيده اى ۳۰۰ بيتى مختوم به (راء) است كه سراينده در آن

المفتع ابو عمرو دانى را تلخيص و به نظم درآورده است. دو شرح مهم بر اين اثر يکى جميلة

أرباب المراد (از جعبرى) و دومى الوسيلة الى كشف العقيلة (نگاشته سخاوى) است. ظاهراً

مراد مؤلفان همين شرح اخير است كه در مجله زير به چاپ رسيده است:

۱۵۷۲

Mémoires présentés par divers savants à l'Académie royale des inscriptions et belles-lettres de l'Institut de France. (م)

- شوشاوی [احتمالاً مراد حسین (حسن) بن علی بن طلحة الرجراجی الشوشاوی، معروف به ابو عبدالله سملائی (متوفای ۸۹۹ق) است که به گفته زرکلی از وی کتابی با عنوان مباحث فی نزول القرآن و کتابته برجا مانده و نسخه‌ای از این اثر در ظاهریه در دمشق است. در واقع نام کامل و صحیح این کتاب الفوائد الجمیلة علی الآیات الجلیة است که اکنون دو تصحیح از آن در دست است: الف- الفوائد الجمیلة علی الآیات الجلیة، تحقیق ادیس عزوزی، مغرب، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۹۸۹. ب- الفوائد الجمیلة علی الآیات الجلیة فی علوم القرآن و فضائله، تحقیق امین عبدالحفیظ ابوبکر رغروعی، لیبی، جامعة سبها، کلیة الآداب و التریبة، ۱۹۹۴. (م)].

- طاش کبری زاده، مفتاح السعادة، نسخه خطی وین، N.F. 12، (فلوگل، ج ۱، ص ۲۵ به بعد) (نک. فهرست اعلام).

- طاش کبری زاده، مفتاح السعادة، حیدرآباد، ۱۳۲۸ ق (نک. فهرست اعلام).

- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، التاریخ، تحقیق M.J. de Goeje، لایدن، ۱۸۷۹ به بعد. *Annales quod scripsit Abū Djafar M. b. Djurir al-T.* تصحیح ذخویه، ۳ دوره، لایدن، ۱۸۷۹-۱۸۹۸. (م)].

- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تفسیر او جامع البیان فی تأویل القرآن، ۳۰ جلد، قاهره، ۱۳۲۱ ق.

- طوسی، فهرست، (*Tusy's list of Shy'ah Books*)، تحقیق آ. اشپرنگر، کلکته، ۱۸۵۳.

- علاءالدین < خازن.

- عمر بن محمد بن عبدالکافی، مخطوط Leiden 674 Warn. [احتمالاً مراد ابو القاسم عمر بن محمد بن عبدالکافی (متوفای حدود ۴۰۰ ق) است که بنا به گفته عمر رضا کحاله (ج ۷، ص ۳۱۲) به نقل از بروکلیمان، ج ۱، ص ۲۳۰، از او کتابی با عنوان عد سور و آی القرآن بر جای مانده است. (م)].

- الفهرست < ابن الندیم.

- قرآن، چاپ فلوگل، لایپزیک، ۱۸۵۸ [این کتاب در ایران از سوی انتشارات اقبال تجدید

□ قرآنهای موجود پیش از مصحف عثمان ۱۱۳

چاپ شده است: القرآن و هو الهدی و الفرقان، از روی نسخه تصحیح شده گوستاو فلوگل که در تاریخ ۱۸۴۳ در آلمان به چاپ رسید، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۶. برای مشخصات کامل کتاب شناختی اصل اثر < G, Flügel. (م).]

- قرطبی: محمد بن احمد، جامع احکام القرآن، مخطوط 436 Sprenger، برگ ۲-۳۶ رو (بعدها، قاهره، ۱۳۵۴ق/۱۹۳۵م به بعد).

- قسطلانی، شرح البخاری [، ۱۰ جلد، بولاق، ۱۳۰۳ق (م).]

- کنز العمال < متقی هندی.

- گلدتسیهر < Goldziher, I.

- لیبید، دیوان، تحقیق خالدی، وین، ۱۸۸۰.

- لیبید، دیوان، بر پایه میراث دکتر آ. هوبر، تحقیق کارل بروکلیمان، لایدن، ۱۸۹۱.

- لسان العرب [مؤلفان به هیچ چاپی در کار خود اشاره نمی کنند. (م).]

- مالک بن انس، الموطأ، با شرح زرقانی، ۴ جلد، بولاق، ۱۲۸۰ق.

- المبانی = کتاب المبانی لنظم المعانی، مخطوط 194 Wetzstein [این کتاب را بعدها آرتور

جفری در این اثر خود به همراه مقدمه ابن عطیة بر تفسیر المبحرین الوجیز به چاپ رسانید:

مقدمتان فی علوم القرآن، تصحیح آرتور جفری، قاهره، مکتبة الخانجی، ۱۳۷۴ق/۱۹۵۴م. (م).]

- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، حیدرآباد،

۱۳۱۲-۱۳۱۴.

- متلمس، دیوان، تحقیق Vollers [تصحیح و ترجمه به آلمانی از کارل فولرس، لایپزیک،

۱۹۰۳؛ چاپ جدید: تحقیق حسن کامل الصیرافی، در مجله معهد المخطوطات العربية، قاهره،

سال چهاردهم، ۱۹۷۰م/۱۳۹۰ق، ص ۱-۵۵۹. (م).]

- مخطوط 40 Landberg = میزی.

- مخطوط 343 Landberg = رساله ای از سیوطی در باب دو سوره مخصوص اُبی

- مخطوط 553 Petermann = تفسیری شیعی از قرآن.

- مخطوط 555 Petermann = عبدالقاهر بغدادی، کتاب الناسخ و المنسوخ.

- مخطوط 17 Petermann II = تفسیر قرآن.

- [مخطوط 376 Sprenger = المقنع]

- مخطوط 406 Sprenger = تفسیر علی بن ابراهیم القمی.
- مخطوط 408 Sprenger = ابن عطیة، تفسیر.
- مخطوط 436 Sprenger = قرطبی.
- مخطوط 194 Wetzstein = المبانی.
- مزّی، مخطوط 40 Landberg [نُدکة و شوالی مشخصات دیگری از این اثر به دست نمی دهند. احتمالاً مراد مؤلفان، کتاب تهذیب الکمال فی اسماء الرجال اثر جمال الدین یوسف بن عبدالرحمن المزّی باشد. اما این اثر در زمان تألیف تاریخ قرآن دست کم چاپ سنگی (دهلی، ۱۳۰۸ق / ۱۸۹۱م.) داشته است. بنابراین ممکن است کتاب دیگر مزّی، یعنی تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، مورد نظر ایشان باشد که بعدها به تصحیح عبدالصمد شرف الدین، ۱۳ جلد، بمبئی، ۱۹۶۵-۱۹۸۲ به چاپ رسید. (م)].
- مُسَلِم، صحیح، در حاشیة شرح قسطلانی بر صحیح بخاری، ۱۰ جلد، بولاق، ۱۳۰۳.
- مشکاة > تبریزی، محمد بن عبدالله.
- المقنع، نسخه مخطوط 376 Sprenger [مراد از این کتاب، المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الامصار، نوشته ابو عمرو عثمان بن سعید الدانی است که در زمان تألیف تاریخ قرآن مخطوط بوده، اما اکنون دو چاپ مصحح از آن با این مشخصات در دست است: الف - المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الامصار مع کتاب النقط، تصحیح محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۳۵۸ق. ب - المقنع فی رسم مصاحف الامصار مع کتاب النقط، تصحیح محمد صادق قمحاوی، قاهره، ۱۹۷۸م. (م)].
- الموطأ > مالک بن انس.
- نووی، یحیی بن شرف، التهذیب، تحقیق Wüstenfeld [= تهذیب الاسماء و اللغات، بخش اول، تحقیق وُستِنْفِلْد، گوتینگن، ۱۸۴۲-۱۸۴۷م. چاپ جدید: تهذیب الاسماء و اللغات، قاهره، ادارة الطباعة المنيرية، بی تا. (م)].
- نیسابوری قمی، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، در حاشیة طبری، تفسیر، قاهره، ۱۳۲۱.
- واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق A.v. Kremer، کلکته، Bibl. Indica، ۱۸۵۶.
- برای ترجمه گزیده ای از کتاب به آلمانی < Weilhausen
- هبة الله بن سلامة، ابوالقاسم، کتاب الناسخ و المنسوخ، در حاشیة اسباب النزول واحدی،

□ قرآنهای موجود پیش از مصحف عثمان ۱۱۵

قاهره، ۱۳۱۶ ق.

- یعقوبی، ابن واضح احمد بن ابی یعقوب عباسی، تاریخ، تحقیق M. Th. Houtsma، دو جلد،

لایدن، ۱۸۸۳. نیز < Ibn Wadīh.

- Birt, Th. *Kritik und Hermeneutik nebst Abriss des antiken Buchwesens*, 1913.
- Büttner, C.G. *Suaheli-Schriftstücke in arabischer Schrift*, Berlin, 1892.
- Caetani, L[eone]. *Annali dell' Islām*, Milano, 1905-1912.
- Caetani, L[eone]. *Chronographia Islamica*, Fasc. I.
- [Flügel, Gustav. (Hrsg.). *Corani textus arabicus ad fidem librorum manuscriptorum et impressorum et ad praecipuorum interpretum lectiones et auctoritatem recensuit indicesque triginta sectionum et suratarum addidit Gustavus Flügel*, Leipzig, 1834; zweite Auflage, 1842; dritte Auflage, 1858.]
- Fraenkel, S[iegmund]. *Aramäische Fremdwörter: de vocabulis in antiquis Arabum carminibus et in Corano peregrinis*, Dissert. Lugdun. Bat.: 1880.
- Gardthausen, V. *Griechische Paläographie*, lii (1911).
- [Geyer, Rudolf. "Gedichte und Fragmente des Aus ibn Hajar", gesammelt, herausgegeben und übersetzt von R. Geyer, in *SBÖAW, philos.-hist. Cl.* (Wien), Bd. 126, Abh. 13 (1892) S. 1-107.]
- Goldziher, I[gnaz]. *Deutsche Literaturzeitung*, 1906.
- Goldziher, I[gnaz]. *Muhammedanische Studien*, Bd. 1, II
- Grimme, H[Ubert]. *Muhammed*, I. Teil, *Das Leben*, Münster, 1892. II. Teil, *Einleitung in den Koran: System der koranischen Theologie*, Münster, 1895.
- Hirschfeld, H[artwig]. *New Researches into the Composition and Exegesis of the Qoran*. London, 1902.
- Ibn Wādīh (Ahmad b. abī Ja'qūb al-Abbāsi), *Historiae*, ed. M. Th. Houtsma, 2 Bde., Leiden, 1883.
- Jacob, G[eorge]. *Studien in arabischen Dichtern*, III, [Hefte III, *Das Leben der vorislamischen Beduinen*, Berlin, 1895. Nachdruck, Hildesheim, 1967].
- *Journal Asiatique*, Dec. 1843. > Kazem-Beg.
- [Kazem-Beg, Mirza Alexander. « Observations sur le "Chapitre inconnu du Coran", publié et traduit par M. Garcin de Tassy. » *Journal Asiatique* 4e sér., 2 (1843) pp. 373-429.
- [Kosegarten, Johann Gottfried, *The Hudsailian poems, contained in the manuscripts of Leiden*. edited in Arabic and translated with annotations by J.G. Kosegarten. Vol. 1, containing the first part of the Arabic text, London, 1854; reprint, Hildesheim, 1984.]
- Lammens, H[enry]. *Fātima et les filles des Mahomet, notes critiques pour l'étude de la Sīra*, Rom, 1912.
- *Notices et Extraits* > de Sacy, S.

۱۵۵۶

- Muir, [Sir] W[illiam]. *The Life of Mahomet*, 4 Bde., London, 1857-61; 2. Aufl., London, 1876; 3. Aufl., 1894. Auszug in 1 Band von T.H. Wier, Edinburgh, 1912.
- Nöldeke, Th[eodor]. *Neue Beiträge zur semitischen Sprachwissenschaft*, 1910.
- Ruete, Emily. *Memoire einer arabischen Prinzessin*, 4. A., Berlin, 1886.
- de Sacy, [Antoine Isaac] S[ilvestre]. *Notices et Extraits des manuscrits de la Bibliothèque Impériale*, VII (1810), IX (1813).
- Sprenger, A[loys]. *Das Leben und Lehre des Mohammad*, Berlin, 1869.
- Sprenger, A[loys]. *Life of Mohammad*, Allahabad, 1851.
- Wellhausen, Julius. *Skizzen und Vorarbeiten*, Heft IV, Berlin, 1889.
- Wellhausen, Julius. *Muhammed in Medina*, Berlin, 1882.
- Weil, G[ustav (übers.)]. *Das Leben Muhammeds*, Stuttgart, 1864.



۱۸۵۵